



ECKANKAR



دانشنگاری کسکار

جنیش نو ظهور معنویت نما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانستنیهای اکنکار (جنبش نوظهور معنویت نما)

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
دانستنیهای اکنکار (جنبش نوظهور معنویت نما)	۷
مشخصات کتاب	۷
اکنکار	۷
تاریخچه	۷
بخش مقالات	۸
نگاهی کوتاه به عرفان اکنکار	۸
اکنکار و اندیشه‌های ضد دینی	۱۵
۱. پیش از مرگ توئیچل	۱۵
۲. داروین گراس نهصد و هفتاد و دومین استاد اک	۱۶
۳. جنبش بیدارباش روحانی (MSIA)	۱۶
۴. دیوید سی لین (David C. Lane)	۱۶
چند نکته درباره اکنکار	۱۶
نقدی بر دیدگاه اکنکار درباره ادیان	۱۷
برخی سایت‌های مربوط به اکنکار	۲۸
بخش نقدها	۲۹
نقد اکنکار	۲۹
اشاره	۲۹
۱) خدا همان عشق است	۲۹
۲) ادیان فقط برای کسب تجربه‌اند	۲۹
۳) تنها راه رهایی اکنکار است	۲۹
۴) بشر همه چیز را آفریده	۳۰
۵) خدا مدفون شد	۳۰

- ۶) در طلب حقیقت نیازی به کتاب و موعظه نیست ۳۰
- ۷) جهان محصول خود توست، پس هر طور که می‌خواهی آن را بساز ۳۰
- ۸) برای یافتن خدا نیاز به توصل نیست ۳۰
- ۹) انسان تحت اختیار اک است ۳۰
- ۱۰) عدم جستجوی خدا ۳۱
- ۱۱) گناه توهمی بیش نیست ۳۱
- ۱۲) دین زاییده وجدان بشر است ۳۱
- ۱۳) دین تنها به درد دوران طفولیت می‌خورد ۳۲
- بخش آموزه‌های اکنکار ۳۲
۱. عقاید اصلی مطابق اعتقادات اکیست‌ها یا چلاها ۳۲
۲. سفر روح ۳۳
۳. دین زنده ۳۳
۴. کرمه ۳۳
۵. عمل ۳۳
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۳۴

دانشتیهای اکنکار (جنبش نوظهور معنویت نما)

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱
عنوان و نام پدید آور: دانشتیهای اکنکار (جنبش نوظهور معنویت نما) / واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان
گردآوری مطالب از کلیه سایت های مربوطه جمع آوری و ویرایش شده است.
مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع: فرقه ها - جنبش های نوظهور

اکنکار

تاریخچه

نام اکنکار
پایه گذار: پال توئیچل تاریخ تولد:
زمان تولد توئیچل را ۱۹۰۸، ۱۹۱۰، ۱۹۲۰ و تاریخ فوت وی را ۱۹۷۱ ضبط کرده‌اند.
مکان تولد:
پادوکاه کنتوکی سال پایه گذاری ۱۹۶۵
متون مقدس یا متون مورد احترام متن مقدس اصلی این آیین سریعت کی سوگماند است که در کنار آن آثار پال توئیچل کلید جهان‌های سری و در آمدی بر اکنکار و آثاری از هارولد کلمپ رهبر نوازنده این آیین نظیر «هنر رؤیابینی روحانی نیز از احترام خاصی برخوردار است
شمار اعضای این آیین مطابق آنچه در سایت رسمی این آیین آمده تعداد اعضای آن که در یکصد کشور دنیا پراکنده‌اند، تقریباً هشتاد هزار نفر است
اکنکار در زمان انقلاب فرهنگی در دهه ۱۹۶۰، زمانی که فرهنگ جدید، مشوق حکمت رازورانه باستانی شد، پدید آمد. آن چه پال توئیچل انجام داد، روزآمد کردن تعالیم باستانی با توجه به جهان جدید بود.
دانشمندان معتقدند که اکنکار صورت بندی جدیدی از عقاید و اعمال باستانی سنت راداسوامی با واژه جدید اک است این ترکیب جالب حکمت باستانی و واژه پردازی جدید، ما را به مقایسه اکنکار با حکمت الهی مادام بلاواتسکی فرا می خواند. بر اساس گزارش های گوناگونی که دوستان خانواده و طرف داران پال توئیچل ارائه داده‌اند و نیز آنچه به نظر تلاش آگاهانه پال توئیچل برای پرده برداشتن از جزئیات زندگی خصوصی اش است این جزئیات در نظر هواداران اکنکار و همچنین دانشمندان رازآلود پنداشته می شود. حتی رهبر اکنکار، هارولد کمپ نیز با بیان این که توئیچل عاشق زندگی خصوصی اش بود» تصدیق می کند که توئیچل با بیان زندگی خصوصی اش سعی کرده آنهایی را که به مطالعه زندگی وی می پردازند، به بیراهه ببرد.
توئیچل در دوران جوانی به فعالیت های گوناگونی پرداخته اما تلاش کرده تا از آن به عنوان ابزاری برای بیان واقعیت های زندگی اش استفاده کند.

از این رو، وی آثاری از خود برجای نهاد که به دلیل ابهامات موجود در آن سال‌ها طول می‌کشید تا تاریخ دانان از آنها سر درآورند.

عمده‌ترین سردرگمی مربوط به تعیین زمان مکان و طبیعت تولد توئیچل و نیز ویژگی‌های مربوط به اوایل زندگی ویست پال توئیچل در سال ۱۹۴۲ وارد نیروی دریایی شد و در همین سال با کامیل بالو (Camil Balloew) ازدواج کرد.

در این ایام زندگی پربارش را با روزنامه نگاری شروع کرد و با نام‌های مختلف برای نشریات دوره‌ای گوناگون قلم می‌زد. در همین زمان بود که به توضیح و تبیین گروه‌های گوناگون دینی پرداخت

در سال ۱۹۵۰ به همراه همسرش به عضویت کلیسای خودشناسی مونیسم مطلق و زیرشاخه دنباله روی از خودشناسی در واشنگتن درآمد.

رهبری این گروه را سوامی پریماناندا به عهده داشت که در نوشته‌های آخر توئیچل از او به سودار سینق نیز یاد شده است به دنبال جدایی از این گروه در سال ۱۹۵۵، پال توئیچل و همسرش نیز از هم جدا شدند. وی سپس به کیرپال سینق پایه گذار روحانی ساتسانگ شاخه‌ای از سنت راداسوامی پیوست

وی علاوه بر شاگردی نزد کیرپال سینق، تحت تأثیر ران هوبارد به جنبش علم شناسی ملحق شد و به مقام روشن نایل آمد. در ادامه پال توئیچل به سبب نزاعی که روی نسخه خطی کتابش با عنوان دندان نیش ببر، میان او و فرقه ساتسانگ کیرپال سینق پدید آمد، پیوندش را با آنها قطع کرد. اندکی پس از قطع روابط با کیرپال سینق به ارایه سمینارهایی در سان دیاگو کالیفرنیا درباره هنر طی الارض یا آنچه بعدها آن را «سفر روح نامید، پرداخت

وی از طرق نوشته‌هایش در نشریات دوره‌ای گوناگون و نامه‌هایش به مردم از جمله همسر دومش گیل آتکینسون به معرفی اکنکار به دنیا پرداخت و خود را به عنوان نهصد و یکمین استاد اک معرفی کرد.

او مدعی شد که تعالیمی از اساتید ویراگی اک دریافت کرده که از جمله آنها یک راهب تبتی به نام ربازار تارز بود.

اکنکار به طور رسمی در ۲۲ اکتبر ۱۹۶۵ در سان دیاگو کالیفرنیا به صورت یک سازمان غیرانتفاعی تأسیس شد.

در سال ۱۹۷۱ پال توئیچل درگذشت داروین گراس به عنوان نهصد و هفتاد و دومین استاد اک جانشین او شد.

پال توئیچل در زمان حیات بیش از شصت عنوان کتاب نوشت و افراد زیادی را به دین اکنکار درآورد.

گراس باعث نزاع‌های زیادی درباره اکنکار شد؛ چراکه بسیاری از طرفداران این آیین وی را با این که از سوی هیأتی از اعضای اکنکار، از جمله همسر پال توئیچل به این سمت انتخاب شده بود شایسته جانشینی استاد پیشین نمی‌دانستند.

سرانجام گراس تمامی اختیارات و مسؤولیت‌هایش را که به استاد زنده اک مربوط می‌شد، از دست داد و هارولد کلمپ به عنوان نهصد و هفتاد و سومین استاد زنده اک جانشین وی شد.

همچنین دعاوی حقوقی چندی میان گراس و اکنکار مبنی بر استفاده گراس از واژه‌هایی که حق تألیف آن با اکنکار بوده است مطرح شد.

هارولد کلمپ با تأکید بر ایدئولوژی غربی به جای سنت راداسوامی شرقی تغییرات زیادی در اکنکار پدید آورد. این تغییر باعث ایجاد پل ارتباطی میان اکیست و فرهنگ آمریکایی شد.

او از هواداران اکنکار خواست به جای آن که همکاران خوب خدا باشند، به جامعه خدمت کنند.

بخش مقالات

نگاهی کوتاه به عرفان اکنکار

چکیده اکنکار یکی از عرفانهای آمریکاییست که پال توئیچل به دنیا معرفی شد.

اکنکار جریانی نوظهور است که دارای افکار متفاوتی درباره جهان و خداست و دارای آموزه‌های مختلفی نیز هست.

از مهمترین آموزه‌های ان سفر روح است.

تفکرات این جریان دائم در حال تغییر است.

آثار فراوانی از این جریان وجود دارد که تعداد زادی از آنها به زبان فارسی ترجمه شده است.

مقدمه یکی از گرایش‌های اصیل انسانی، گرایش به معنویت و امور ماورایی است.

در جهان مادیت زده امروزی، چه بسیار انسان‌هایی که از مادیت زده شده‌اند و روی به معنویت آورده‌اند.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که صبغه غالب آن فرهنگ و معنویت است و بنیانگذار آن نیز عارف وارسته‌ای بود عامل بسیار

مهمی در گرایش مردم سراسر جهان به سوی دین، اخلاق و معنویت شد.

اردو گاه استکبار و داعیان مادی گرایی در جهان، برای مقابله با معنویت گرایی به طور عام و برای ناکام کردن دعوت انقلاب

اسلامی به معنویت به طور خاص، راه‌های متعددی را آزموده‌اند.

از جمله اشاعه فرهنگ ابتذال در شکل‌های گوناگون آن همچون ترویج مواد مخدر و روان گردان، سکس و برهنگی. البته راه‌های

یاد شده در جوامع دین باوری همچون جامعه ایران، تأثیر چندانی ندارد. از این رو، برای مقابله اثرگذارتر با معنویت گرایی، از

راه‌های غیرمستقیم بهره گرفته‌اند.

از جمله ترویج اندیشه‌ها و آموزه‌هایی که در ظاهر عرفان گونه‌اند ولی در واقع بهره‌ای از عرفان و معنویت حقیقی ندارند. ترجمه و

نشر کتاب‌هایی با درون مایه‌ی عرفان‌هایی غیر از عرفان اسلامی و حتی مخالف با آموزه‌های اسلامی در سالهای پس از پیروزی

انقلاب و به ویژه در دو دهه‌ی اخیر، آن هم در شمارگان بسیار بالا، امری نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت و احساس

خطر نکرد. بعضی از این کتاب‌ها، آموزه‌های عرفان‌های هندی، چینی و به طور کلی عرفان‌های شرقی را ترویج می‌کنند و برخی

دیگر، اندیشه‌های به اصطلاح عرفان سرخ پوستی، آمریکایی و به طور کلی، عرفان‌های غربی را انتقال می‌دهند. در کتاب‌های گروه

اول، تناسخ، برابری ادیان و مذهب‌ها، قدرت‌های معنوی و مانند اینها به طور غیرصریح و حتی گاهی باصراحت به خواننده القا

می‌شود. در این کتاب‌ها، گرچه مفاهیم و آموزه‌های آشنا برای خواننده مسلمان ایرانی هم به چشم می‌خورد؛ ولی آنچه رهن است

تصویر نادرستیست که در این گونه آثار ارائه می‌شود. برای مثال، چهره‌ایست که، سای بابا از خدا ارائه می‌دهد. او گاهی خدا را

عشق و عشق را خدا می‌داند. سای بابا به شدت از عرفان بودایی که جزو عرفان‌های بدون خدا به شمار می‌آید متأثر است؛ [۱] در

آثار شخصیت مشهور دیگر چون اشو که اندیشه‌هایش نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان به شدت ترویج می‌شود. بیشترین

تأکید بر «عشق» است.

تا آنجا که او عشق را عصاره پیام خویش می‌داند. [۲] در آثار اشو، متعلق عشق، «خدا» نیست، بلکه خود عشق، خداست.

یکی از عرفان‌های نوظهور، عرفان اکنکار است که به دست پال توئیچل بنیان گذاری شد.

از مهمترین آموزه‌های این عرفان، خلع بدن و جدا کردن روح از بدن، مراتب انسان، طبقات عالم، مکاشفه‌های بصری و معنویست

که، همه در عرفان اسلامی مطرح است و شباهت‌هایی نیز بین عرفان اسلامی و عرفان اکنکار وجود دارد، ولی باید پرسید که آیا

سفر روح، غایت عرفان است یا خود وسیله‌ای برای غایتی مهم‌تر است؟

چرا خروج روح از بدن اهمیت دارد؟

پرسش‌هایی از این دست، پاسخ‌های جدی می‌طلبد که در مباحث فلسفی و عقلی قابل دریافت است؛ در حالی که جوان نا آشنای با

فلسفه اسلامی، هیچ گاه نمی‌تواند درستی یا نادرستی پاسخ‌های داده شده در این گونه عرفان‌ها را ارزیابی کند و در نتیجه، فریب

نثر ساده و روان و جذاب این نوشته‌ها را می‌خورد. مقاله‌ای را که در پیش رو دارید، پیرامون این آیین به اختصار سخن گفته و سعی نموده آسیب‌هایی که از عرفان اکنکار متوجه جامعه اسلامی ماست را گوشزد نماید.

[۱]. عشق الهی را جلوه گر سازید، سوآمی ساتیا سای بابا، ترجمه: پروین بیات، ص ۲۰.

[۲]. عشق رقص زندگی، مجموعه‌ای از سخنان و تعالیم اشو، گردآوری و ترجمه: بابک ریاحی پور، فرشید قهرمانی. ۱۰۸.

عرفان اکنکار عرفان اکنکار یکی از مکاتب عرفان نوست که در ایالات متحده آمریکا پدید آمد. امروزه آثار بسیاری از عرفان اک در ایران منتشر شده است و پیروان قابل توجهی یافته است.

اکنکار، عرفان نو آمدی که بر اثر یک تجربه عرفانی به پال توئیچل پدید آمد. پال توئیچل در اواخر قرن حاضر در کنتاکی آمریکا متولد شد او در خلال جنگ جهانی دوم به خدمت نیروی دریایی آمریکا در آمد. سپس به گروهی از استادان معنویت باستان پیوست. اینان استادان نظام وایراگی (استاد رها از خواسته‌ها، پیران باستانی و دراز عمر اک) بودند. پال یافته‌ها و تجربیات خود را در کتاب دندان ببر ارائه کرد. [۱]

[۱]. آفتاب و سایه‌ها، محمد تقی فعالی، ص ۲۳۷. اکنکار در زمان انقلاب فرهنگی در دهه ۱۹۶۰، زمانی که فرهنگ جدید، مشوق حکمت رازورانه باستانی شد، پدید آمد. آنچه پال توئیچل انجام داد، روزآمد کردن تعالیم باستانی با توجه به جهان جدید بود. دانشمندان معتقدند که اکنکار صورت بندی جدیدی از عقاید و اعمال باستانی سنت راداسوامی با واژه جدید اک است [۱] او زندگی حرفه‌ای خود را با روزنامه نگاری شروع کرد و با نام‌های مختلف برای نشریات دوره‌ای گوناگون قلم می‌زد. در همین زمان بود که به توضیح و تبیین گروه‌های گوناگون دینی پرداخت در سال ۱۹۵۰ به همراه همسرش به عضویت کلیسای خودشناسی «مونیسیم مطلق» و زیرشاخه دنباله روی از خود شناسی در واشنگتن در آمد. رهبری این گروه را سوامی پریماناندا به عهده داشت که در نوشته‌های آخر توئیچل از او به سودار سینق نیز یاد شده است به دنبال جدایی از این گروه، در سال ۱۹۵۵، پال توئیچل و همسرش نیز از هم جدا شدند. [۲] سپس به ارایه سمینارهایی در سانتیاگو کالیفرنیا درباره هنر طی الارض یا آنچه بعدها آن را «سفر روح نامید، پرداخت وی از طرق نوشته‌هایش در نشریات دوره‌ای گوناگون و نامه‌هایش به مردم از جمله همسر دومش گیل آتکینسون به معرفی اکنکار به دنیا پرداخت و خود را به عنوان نهصد و یکمین استاد اک معرفی کرد. [۳] او مدعی شد که تعالیمی از اساتید وایراگی اک دریافت کرده که از جمله آنها یک راهب تبتی به نام ر بازار تارز بود.

او در سال ۱۹۶۵ کارگاه‌های آموزشی متعددی برای آموزش سفر روح در کالیفرنیا دایر ساخت و دوره‌های آموزشی اکنکار را ارائه داد. [۴] و در همان سال، یک سازمان غیرانتفاعی تأسیس کرد و سرانجام در سال ۱۹۷۱ درگذشت پال توئیچل در زمان حیات بیش از شصت عنوان کتاب نوشت و افراد زیادی را به دین اکنکار درآورد. پیش از مرگ توئیچل مشاجره درباره اکنکار در اوایل دهه ۱۹۷۰، اندکی پیش از مرگ توئیچل شروع شد.

برخی افراد در منبع تعالیم وی تردید کردند و او ادعا کرد که دیگران به دلیل عدم موافقت با تعالیم وی، زندگی او را تهدید کردند.

توئیچل مدعی شد که هیچ یک از آموزه‌هایش را از منبع بشری قرض نکرده است، بلکه حاصل تجربه شخصی وی از خداشناسی در سال ۱۹۶۵ و برآمده از شهودیست که طی آن تعالیم را از «سلسله اساتید اک به عنوان استاد زنده اک به دست آورده است اما این ادعاها به مشاجرات پایان نداد. پس از مرگ توئیچل در سال ۱۹۷۱، نزاع با آمدن استاد زنده اک داروین گراس ادامه یافت بعد از یک مبارزه سخت برای کسب قدرت در درون اکنکار بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳، گراس کنار گذاشته شد و به جای او هارولد کلمپ استاد زنده اک شد.

گراس گروه خاصی با عنوان تعالیم باستانی اساتید تشکیل داد و مدعی شد که تعالیم جدیدی را آغاز نکرده، بلکه به گسترش تعالیم پال توئیچل همت گمارده است. اکنکار او را از استفاده از علایم و اصطلاحات انحصاری خویش منع کرد.

[۱]. سایت موعود. mouood.org، تاریخ انتشار ۱۳ / ۲ / ۸۸.

[۲]. همان.

[۳]. سایت موعود. mouood.org، تاریخ انتشار ۱۳ / ۲ / ۸۸.

[۴]. همان. هارولد کلمپ با تأکید بر ایدئولوژی غربی به جای سنت راداسوامی شرقی، تغییرات زیادی در اکنکار پدید آورد. این تغییر باعث ایجاد پل ارتباطی میان اکیست و فرهنگ آمریکایی شد.

او از هواداران اکنکار خواست به جای آن که همکاران خوب خدا باشند، به جامعه خدمت کنند.

گراس را همچنان نهصد و هفتاد و دومین استاد اک می‌دانند اما تصویر او در معبد اک نصب نیست و در بحث‌هایی که از اساتید گذشته اک می‌شود از او نامی برده نمی‌شود. آموزه‌های عرفان اکنکار، دانش و فن خروج روح از بدن و برگرداندن دوباره آن به بدن و به بیانی فن سفر روح است.

پال توئیچل در نوشته‌هایش روی «سفر روح» به عنوان مهم‌ترین آموزه اکنکار تأکید دارد. او برای این سفر، سه گام را لازم می‌شمارد. همچنین سه رکن تخیل، نور و صوت را دارای نقش مهمی در ترک بدن و بازگشت بدان شمرده است.

پال توئیچل برای سفر روح، چندین روش برمی‌شمارد که مهم‌ترین روش آن روش تخیلی است.

او برای جهان طبقاتی و برای انسان مراتبی ذکر می‌کند؛ [۱] افزون بر این، خدا و قیامت در این عرفان جایگاهی ندارد تا آنجا که توئیچل بر این باور است که قیامت اختراع کلیساست تا انسان‌ها از ترس جهنم و کیفر آخرت بهتر کنترل شوند. این تفکر با عرفان اسلامی که در آن خدا غایت همه‌ی تلاش‌ها و دریافت‌هاست و آخرت محل تجلی کمالات بی‌نهایت انسان کامل دیده می‌شود، بسیار متفاوت است.

اکنکار، طریقیست برای همکار شدن با خدا یا سوگماند که نه مذکر است نه مؤنث عقیده بر اینست که سوگماند با روح افراد از طریق صوت یا نور ارتباط برقرار می‌کند.

از این رو، نام دیگر اکنکار «دین صوت و نور» است ارتباط را اک یا جریان اک می‌شناسند. اک طی قرون نام‌های گوناگونی گرفت اکیست‌ها اک را جریان قابل سماع حیات نیز تعبیر می‌کنند.

هدف اصلی چلا (طلبه اک رسیدن به خودشناسی و در نهایت شناخت خداست وقتی شناخت خدا حاصل شد، آن گاه چلا همکار حقیقی خدا خواهد شد.

در عین حال، دارای هویت فردی نیز خواهد بود.

این عقیده با آنچه در آیین هندو و بودایی وجود دارد که فرد از راه فانی شدن کامل در خدا و از دست دادن تمامی هویت فردی با خدا یکی می‌شود، تفاوت دارد. خودشناسی و خداشناسی، هر دو از راه طی الارض (همزمان در دو مکان بودن یا آنچه امروزه از سوی اکیست‌ها «سفر روح نامیده می‌شود، قابل دستیابیست پال توئیچل در کتابش با عنوان «اکنکار: کلید جهان‌های سری» سفر روح را به «جدا شدن روح از بدن توصیف می‌کند.

استادان فن سفر روح که توانسته‌اند به کالبد معنوی و ماورایی سفر کنند، سعی بر این داشتند که این فن را به جویندگان بیاموزند. فنی برای سیاحت قلمرو بهشت. سفر روح یعنی قادر ساختن روح برای ترک کالبد فیزیکی و سفر آن به سمت دنیا‌های معنوی ماورا.

سفر روح با نامهای مختلفی شناخته می‌شود. از جمله: انعکاس روح، جدایی روح از بدن، تجربه بیرون از کالبد، سفر معنوی، اکنکار. دین زنده اکنکار را یک دین زنده که به طور دایم در حال تغییر و تحول است می‌دانند. این تغییرات مدام، موجب می‌شود که اکیست‌ها اتکای شدیدی بر رهبران دینی خویش داشته باشند. این رهبر، استاد اک یا ماهانتای زنده نام دارد. همیشه یک استاد اک زنده هست و در زمره کسانی است که به اساتید اک معروف اند، که مجموعه آنها را سلسله ویراگی می‌گویند. اعضای این سلسله، در معبد‌های «حکمت طلایی که در سیاره‌های گوناگون واقع شده‌اند، ساکنند.

هدف ماهانتا، راهنمایی ارواح چلاها برای بازگشت به خداست ماهانتا اغلب به عنوان استاد رؤیا که مانند نقطه آبی رنگ نور ظاهر می‌شود، عمل می‌کند.

ماهانتا در این نقش هم حضور مطلق و هم علم مطلق است استاد زنده اک از احترام بسیار بالایی برخوردار است، اما پرستش نمی‌شود. کرمه اکیست‌ها نیز مانند بوداییان و هندوها، به کرمه (هر کس عملی انجام می‌دهد عکس العمل روح او در بدن‌های دیگر است.) [۲] هدف هر فرد، رهایی از بدهی کرمه در زندگانی گذشته و یکی شدن با خداست.

وقتی با رفتار درست به خودشناسی نایل آمدید، از زندگانی گذشته رهایی یافته و باید بقیه حیات را بدون بدهی اضافی سپری کنید. اگر به این مرتبه رسیده باشی بعد از مرگ به این جهان بر نمی‌گردد. عمل بیش از یکصد تمرین روحانی گوناگون در اکنکار هست که از جمله آن، خواندن (هیو HV) است و عقیده بر اینست که این واژه نام قدیمی خداست تمرین دیگر، عبارت است از تمرکز روی نور و صوت یا چیزی که به شکل روحانی ماهانتا معروف است هارولد کلمپ فهرستی از تمرین‌های روحانی را درباره رؤیاها در کتابش با عنوان هنر رؤیابینی روحانی آورده است رؤیاها در تمرین‌های اکنکار تحت رهبری هارولد کلمپ بسیار بااهمیت شدند. از چلای کوشا انتظار می‌رود که از راه مکاشفه نیز که دارای چهار مرحله است، طی طریق کند. اکنکار برای انسان مراتبی و برای عالم طبقاتی قائل است.

[۱]. روح نوردان سرزمین‌های دور، هارولد کلمپ، ترجمه: هوشنگ اهر پور، ص ۱۲۲.

[۲]. آفتاب و سایه‌ها، محمد تقی فعالی، ص ۴۵.

نگاه اکنکار به دین:

در مکتب اکنکار تساهل و تسامح رفتاری خاصی وجود دارد. به تعبیر خودشان در اکنکار قوانین یا محدودیتهایی از قبیل توصیه پوششی خاص برای مردان یا زنان یا رژیم غذایی خاص و حلال و حرام دانستن برخی از خوردنیها وجود ندارد. سقط جنین و همجنس بازی و طلاق و امثال آن به عنوان تصمیماتی شخصی دانسته می‌شوند و تصریح می‌کنند که اکنکار هیچ حکمی در این زمینه ندارد. ر بازار تارز در تعلیمات خود به توییچل همه قوانین و مقررات ادیان به ویژه اسلام، مسیحیت و یهود را ساخته بشر می‌داند [۱] و می‌گوید:

من به این گروه‌های مذهبی، فلسفی و فرهنگهایی که امروزه زیر پرچم ایمان به خدا و اشاعه راه پیشوایان و فرستادگان خدا رژه می‌روند اعتراض دارم. توده‌های مردم همیشه مایلند یک نفر مسؤولیت مواظبت آنها را بر عهده گیرد. این فقدان قابلیت خود، راز به وجود آمدن ادیان است.

روحانیون، این نیاز توده‌ها را در نخستین روزهای تاریخ زمین کشف کردند و قبایل بدوی را ترغیب کردند تا احکام را اطاعت کنند و الگوها، مراسم و تشریفات معینی را بجا بیاورند. [۲] پال توییچل می‌گوید:

اگر مذاهب را بقدر کافی شناسی، برایت معلوم خواهد شد که احکام و قوانین مربوط به هر گروه خاصی در خود دو تأثیر مثبت و منفی را پیشنهاد می‌کنند.

به این معنا که اگر از آنچه تشکیلات مذهبی مقرر داشته تابعیت کنی قول پاداش می‌گیری و لیکن در صورت غفلت از مقررات و احکام، مجازات در پیش خواهی داشت. [۳] مسیحیت می‌گوید تا ابد در آتش جهنم خواهی سوخت. بعضی از ادیان هندو به بازگشت مراتب حیوانی هشدار به مسخ می‌دهند و بعضی ادیان (اسلام) هم تو را مرتد خواهند خواند و مرتد از مذهب هم که همیشه مترادف با یک اهریمن اجتماعی معرفی شده است؛ [۴] اگر این را درک کنی خواهی دانست که به سختی می‌توان ادعا کرد که دین و مذهب پدیده‌ای ساخت بشر نباشد؛ [۵] در آیین آمریکایی اکنکار، به صورتی زیرکانه باور به ادیان توحیدی به عنوان مانعی بر سر راه پیشرفت معنوی دانسته شده و کنار زدن و زدودن باورهای دینی پیروان، یکی از راه‌های تکامل روحی و شرط تأثیر گذاری تعالیم معنوی اکنکار بیان شده است.

در این عرفان که ماهانتا یا استاد زنده اک را در جایگاه خدایی می‌نشانند.

گفته می‌شود که مانع بزرگ در مقابل تعالیم ماهانتا، باورهای دینی افراد است.

آن باورها چون در ذهن و جان افراد رسوخ کرده است اجازه نمی‌دهد حقیقت تعالیم ماهانتا آشکار شده و تأثیر گذاری خود را نشان دهد. [۶] در آیین اکنکار علم و حکمت ماهانتا یا استاد زنده اک را به مراتب بیشتر و پیشرفته‌تر از علوم و اندیشه‌های ادیان الهی می‌دانند و مدعی اند با وجود ماهانتا دیگر نیازی به تعالیم سایر ادیان نیست. [۷] یکی از آموزه‌های دیگر اکنکار، روزه گرفتن روز جمعه است.

هارولد کلمپ رهبر این مکتب، روزه روز جمعه را، یک سنت رایج در میان پیروان اکنکار می‌داند و مدعیست این روزه نه تنها موجب تکامل روح است، بلکه راهی آسان برای ازمیان بردن کارماهای (کرمه) گذشته و حال زندگی است.

اما کیفیت این روزه مانند روزه مصطلح در فقه اسلامی نیست بلکه خیالی و ذهنی است و به این صورت است که باید شخص روزه دارد به مدت ۲۴ ساعت در خانه بنشیند و در اجتماعات شرکت نکند و توجه خود را بر روی ماهانتا استاد زنده اک متمرکز کند؛ [۸] نقد و بررسی:

استکبار جهانی اقدامات گسترده‌ای در جهت بازداشتن مردم، به ویژه در کشورهای اسلامی و علی‌الخصوص در کشور ایران، از شرکت در تجمعات اسلامی دارد و هزینه‌های هنگفتی برای بازداشتن مردم از شرکت در راهپیمایی‌های سیاسی صرف می‌کنند.

راهپیمایی روز قدس، ۲۲ بهمن، شرکت در نماز جمعه و جماعات و امثال آن همگی مورد مخالفت سیاست بازان غریبست و با شگردهای مختلفی سعی در بازداشتن مردم از شرکت در چنین تجمعاتی دارند. برخی از این عرفانهای کاذب دستاویز خوبی برای وصول به این هدف است.

همانطور که گفته آمد عرفان اکنکار، روزه جمعه را برای روزه ۲۴ ساعته خود انتخاب کرده‌اند.

در حالی که می‌دانیم خاستگاه اکنکار، آمریکاست و در میان کشورها مسیحی روز مقدس، روز یکشنبه است نه جمعه! اما عرفان اکنکار برای روزه سکوت و کناره گیری از جامعه، روز جمعه را پیشنهاد می‌دهد. روشن است که روز جمعه روزیست که مسلمانان در نماز جمعه شرکت می‌کنند، صله ارحام به جا می‌آورند، بسیاری از دید و بازدیدها در کشورهای اسلامی در روز جمعه صورت می‌گیرد، همه یا بسیاری از تجمعات اسلامی و راهپیمایی‌های مهم سیاسی در کشور ما نیز در روز جمعه صورت می‌گیرد؛ [۹] در عرفان اکنکار به جای توسل به خدا برای حل مشکلات، باید به پیر یا ماهانتا که رهبری اکنکار را بر عهده دارد متوسل شد؛

[۱۰] اینها تنها راه خداشناسی را طی الارض (سفر روح در زمان و مکان) دانسته و در مسیر کمال خویش یک رهبر روحانی به نام «ماهانتا» دارند که وظیفه هدایت پیروان را بر عهده داشته و دیدار او بزرگترین افتخار طرفداران این فرقه تلقی می‌شود. اکنکار در ایران در چند سالست که پس از مطرح شدن کتب توییچل و نیز با توجه به درآمد بالای مدیران این فرقه، بسیاری تحریک به سوء استفاده از جوانان از طریق این فرقه نمودند و موسسات چندی به ترویج این فرقه دست زدند. [۱۱] این موسسات پارتی‌های

منظمی را در همه جای ایران برگزار می‌کنند که در این جلسات انواع مواد مخدر و داروهای روانگردان از جمله حشیش برای رفتن به حالت خلسه عرفانی و رسیدن به مدارج معنوی مصرف شده و به رقص و انجام برنامه‌های خاص می‌پردازند. [۱۲] از دیگر آموزه‌های این فرقه، می‌توان به تزریق عشق زن و مرد در همدیگر اشاره کرد که با در آغوش کشیدن شروع می‌شود و به ازدواج عرفانی دختر و پسران نامحرم ختم می‌شود و وجود تمارین این چینی موجب جذابیت این گروه بین قشر جوان و گسترش روزافزون آن شده است.

در یکی از موارد که نیروی انتظامی یکی از پارتی‌های این موسسات را شناسایی کرد مشاهده شد که ۴۰ دختر جوان با لباس زیر مردانه و ۴۰ پسر جوان پس از مصرف حشیش با لباس زیر زنانه در وضعی که حال عادی نداشته‌اند به رقص و پایکوبی می‌پردازند. [۱۳] آثار: در ایران بسیاری از آثار عرفان اکنکار ترجمه و چاپ شده است.

اکثر این ترجمه‌ها در دهه هفتاد بین سالهای ۷۷ تا ۷۹، توسط مینو ارژنگ، هوشنگ اهرپور و مهیار جلالیانی انجام شده، که خود قابل تأمل است.

برخی از این آثار به قرار زیر است:

۱. نسیمی از بهشت، براد استایگر، ترجمه: هوشنگ اهرپور.
۲. نامه‌های طریق نور، پال توئیچل، ترجمه: مینو ارژنگ.
۳. اکنکار کلید جهان‌های اسرار، پال توئیچل، ترجمه: هوشنگ اهرپور.
۴. نامه‌هایی به گیل، پال توئیچل، ترجمه: مینو ارژنگ.
۵. طنین پر خروش اک، پال توئیچل، ترجمه: مینو ارژنگ.
۶. سه نقاب گابا، پال توئیچل، ترجمه: مینو ارژنگ.
۷. اکنکار حکمت باستانی برای عصر حاضر، تاد کرامرودا گلاس منسون، ترجمه: مهیار جلالیانی.
۸. از استاد پیرس، هارولد کلمپ، ترجمه: مینو ارژنگ.
۹. نسیم تحول، هارولد کلمپ، مهیار جلالیانی.
۱۰. کلام زنده ۱ و ۲، هارولد کلمپ، ترجمه: مهیار جلالیانی.
۱۱. روح نوردان سرزمین‌های دور، هارولد کلمپ، ترجمه: هوشنگ اهرپور.
۱۲. هنر رؤیابینی، هارولد کلمپ، ترجمه: مهیار جلالیانی.
۱۳. سرزمینهای دور، پال توئیچل، هوشنگ اهرپور.
۱۴. در پیشگاه استاد اک، فیل موری میتسو، ترجمه: مهیار جلالیانی.
۱۵. دندان ببر، پال توئیچل، مترجم؛ هوشنگ اهرپور.
۱۶. نی نوای الهی، پال توئیچل، مترجم؛ مهیار جلالیانی.
۱۷. نسیمی از بهشت، براد استایگر، مترجم؛ هوشنگ اهرپور.
۱۸. از استاد پیرسید (۲) هارولد کلمپ مترجم؛ امی نه اخوان تفتی و گیتی بحرینی.
۱۹. استاد رویا، هارولد کلمپ، مترجم؛ شهرام شاه محمدپور.
۲۰. زبان سری رویاهای بیداری، مایک اوری، مترجم؛ محمدعلی اخلاق‌دوست.
۲۱. بیگانه‌ای بر لب رودخانه، پال توئیچل، مترجم؛ هوشنگ اهرپور.
۲۲. چگونه سفر روح را آموختم، تریل ویلسون، مترجم؛ شهرام شاه محمدپور.

۲۳. گاه شمار استاد رویا پردازی، جیمز پال دیویس، مترجم؛ مهیار جلالیانی. فهرست

منابع:

۱. عشق الهی را جلوه گر سازید، سوآمی ساتیا سائی بابا، ترجمه: پروین بیات، عصر روشن بینی، اول ۱۳۸۰.
۲. عشق رقص زندگی، مجموعه‌ای از سخنان و تعالیم اشو، گردآوری و ترجمه: بابک ریاحی پور، فرشید قهرمانی. نگارستان کتاب، دوم ۱۳۷۹.
۳. آفتاب و سایه‌ها، محمد تقی فعالی، نجم الهدی، پنجم ۱۳۸۷.
۴. سایت موعود. mouood.org، تاریخ انتشار ۱۳ / ۲ / ۸۸.
۵. روح نوردان سرزمین‌های دور، هارولد کلمپ، ترجمه: هوشنگ اهر پور، دنیای کتاب، اول ۱۳۷۷.
۶. درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، احمد حسین شریفی، صحبای یقین، سوم ۱۳۸۸.
۷. سرزمینهای دور، پال توئیچل، ترجمه: هوشنگ اهر پور، دنیای کتاب، اول ۱۳۷۷.
۸. حکمت اک،
۹. خبرگزاری فارس، گروه فرهنگی، حوزه آیین و اندیشه، ۴ / ۸ / ۸۷.

- [۱]. درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، احمد حسین شریفی، ص ۱۶۹.
- [۲]. سرزمینهای دور، پال توئیچل، ترجمه: هوشنگ اهر پور، ص ۴۶
- [۳]. همان.
- [۴]. همان.
- [۵]. سرزمینهای دور، پال توئیچل، ترجمه: هوشنگ اهر پور، ص ۴۶.
- [۶]. همان ص ۲۴۷.
- [۷]. حکمت اک، ص ۱۴.
- [۸]. درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، احمد حسین شریفی، ص ۱۸۴.
- [۹]. همان، ص ۳۲۲.
- [۱۰]. همان، ص ۲۲۶.
- [۱۱]. خبرگزاری فارس، گروه فرهنگی، حوزه آیین و اندیشه، ۴ / ۸ / ۸۷.
- [۱۲]. سایت موعود. Mouood.org
- ۸۸ / ۲ / ۱۳
- [۱۳]. خبرگزاری فارس، گروه فرهنگی، حوزه آیین و اندیشه، ۴ / ۸ / ۸۷.

اکنکار و اندیشه‌های ضد دینی

۱. پیش از مرگ توئیچل

مشاجره درباره اکنکار در اوایل دهه ۱۹۷۰، اندکی پیش از مرگ توئیچل شروع شد.

برخی افراد در منبع تعالیم وی تردید کردند و او ادعا کرد که دیگران به دلیل عدم موافقت با تعالیم وی زندگی او را تهدید کردند. توییچل مدعی شد که هیچ یک از آموزه‌هایش را از منبع بشری قرض نکرده است، بلکه حاصل تجربه شخصی وی از خداشناسی در سال ۱۹۶۵ و برآمده از شهودیست که طی آن تعالیم را از «سلسله اساتید اک» به عنوان استاد زنده اک به دست آورده است اما این ادعاها به مشاجرات پایان نداد.

۲. داروین گراس نهصد و هفتاد و دومین استاد اک

پس از مرگ توییچل در سال ۱۹۷۱، نزاع با آمدن استاد زنده اک داروین گراس ادامه یافت بعد از یک مبارزه سخت برای کسب قدرت در درون اکنکار بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳، گراس کنار گذاشته شد و به جای او هارولد کلمپ استاد زنده اک شد. گراس گروه خاصی با عنوان تعالیم باستانی اساتید (ATOM) تشکیل داد و مدعی شد که تعالیم جدیدی را آغاز نکرده بلکه به گسترش تعالیم پال توییچل همت گمارده است اکنکار او را از استفاده از علایم و اصطلاحات انحصاری خویش منع کرد. گراس را همچنان نهصد و هفتاد و دومین استاد اک می‌دانند اما تصویر او در معبد اک نصب نیست و در بحث‌هایی که از اساتید گذشته اک می‌شود از او نامی برده نمی‌شود.

۳. جنبش بیدارباش روحانی (MSIA)

در همین اوضاع و احوال جان روجر هینکینز (John Roger Hinkins) تلاش‌هایی برای ایجاد گروهی مذهبی با نام جنبش بیدارباش روحانی (Movement of Spiritual Awareness) در سال ۱۹۷۱ آغاز کرد؛ گروهی که اکنکار را به شدت به صورت سازمان عقاید و اعمال بازسازی کرد.

۴. دیوید سی لین (David C. Lane)

زمانی که لین استاد مطالعات دینی پال توییچل را به سرقت ادبی از اساتید خویش و جعل تمام تاریخ اکنکار متهم کرد، این مشاجرات و نزاع‌ها به اوج خود رسید. او اساساً خود را وقف اثبات این ادعا کرد که اکنکار و جنبش بیدارباش روحانی چیزی بیشتر از سرقت از سنت راداسوامی نیستند.

چند نکته درباره اکنکار

سفر روح که مهمترین اصل عرفان اکنکار است همان خلع بدن یا موت اختیاریست این مرحله در عرفان اسلامی پایین‌ترین مرحله سالک است.

نور و صوت محور اصلی اکنکار است و چیزی جدیدی محسوب نمی‌شود.

عرفان اکنکار مستقل نبوده و با عرفان‌های هندی آمیخته است.

در این آیین هیچ جایگاهی برای خدا وجود ندارد.

فقط سخن از بهشت است و ارتباطی با خدا ندارد و معتقدند جهنم توسط کلیسا اختراع شده تا بشریت را از قتل و خونریزی نجات داده و به تمدن سوق دهد.

نقدی بر دیدگاه اکنکار درباره ادیان

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های جنبش‌های نوپدید دینی - عرفانی، انتقاد شدید آنان به وجود ادیان بزرگ و تعالیم آنان است، لذا در بسیاری از این جریان‌های معنوی، انواع زیادی از انتقادهای به ادیان وجود دارد. از این رو، باید گفت که بزرگترین اشکال آنان اینست که در نقد آنها، همه ادیان به یک چشم دیده می‌شوند و چنین می‌پندارند، که تمام ادیان دارای خصوصیات و تعالیم مشترکند و حال آنکه ادیان دارای تقسیمات متفاوتی هستند و نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین ادیان نیز در دل خود بزرگترین تفاوت‌ها و اختلاف‌های ظاهری و باطنی را با هم دارند. بنا بر این هیچ گاه نمی‌توان با نادیده گرفتن تفاوت‌های ادیان، به نقد و بررسی آنان پرداخت و لذا به جرات می‌توان گفت که در تعالیم اکنکار، بزرگترین انتقادهای اشکال‌ها به ادیان ابراز شده است.

موجودیت ادیان پال توئیچل - موسس مکتب اکنکار - فلسفه پیدایش ادیان بزرگ را از دو منظر پی‌گیری می‌کند:

۱. ادیان بزرگ بر اساس تجربه‌های معنوی، مکاشفه‌ها و سفرهای روحانی مؤسین، پدید آمده‌اند، که از این میان اکنکار با اتخاذ چنین موضعی در حقیقت می‌خواهد چنین نشان دهد که هر انسانی می‌تواند با تمرین‌های معنوی و ریاضت‌های جسمانی موفق به مکاشفه و سفر روحانی شود. این ادعا در دل خود متضمن این معناست که انسان مکاشفه‌گر می‌تواند حامل معرفت معنوی همسان با معرفت معنوی دیگر انبیای بزرگ ادیان بزرگ باشد و در واقع چنین وانمود کند که هر انسان به واسطه پیروی از تعالیم ما - اکنکار - می‌تواند همانند دیگر پیامبران بزرگ تاریخ به حقیقت، دست یافته و به همان سعادت‌ی که ادیان آن را در دنیای دیگر وعده دادند؛ در همین دنیا نائل شود. از این رو، در اکنکار وانمود می‌شود، که ادیان بزرگ بر اساس تجربه‌های معنوی، مکاشفه‌ها و سفرهای روحانی مؤسین پدید آمده‌اند.

پال توئیچل می‌گوید:

حتی در میان فرقه‌های منشعب از یک مذهب هم اختلاف‌های فاحشی در زمینه‌ی روش‌ها و دستورالعمل‌هایشان وجود دارد، که این امر توجیه‌کننده اینست که چرا این همه گوناگونی بی‌پایان و سردرگمی در خصوص نتایج به دست آمده از روش‌های دیگر مشاهده می‌شود. به همین ترتیب، وقتی در جهان‌های دیگر نیز وارد می‌شویم، تجربیاتمان از کیفیات دگرگونی بهره می‌گیرند، که در نتیجه، در خصوص نتایج حاصله از این تجربه‌ها نیز همین تفاوت‌های فاحش به چشم می‌خورند و لذا اکنون می‌توان فهمید که چرا این همه دین‌های متفاوت وجود دارند؛ زیرا تجربیات افراد مختلف در عوالم درون با هم متفاوت هستند و بر اساس همین تجربه‌ها بوده است که ادیان و مذاهب متفاوت شکل گرفتند و این واقعه اسف باری است، که هزاران هزار نفر تجربه کرده‌اند، یعنی تا درجه‌ای از عمق به آگاهی عوام درون نفوذ کرده‌اند.

آنگاه به آنان وحی شده که یک خدا، یک فرشته یا یکی از بستگان، در حال هدایت آنها هستند.

آنها اظهار می‌کنند که صدای خدا را شنیده‌اند یا دچار این تصور می‌شوند که خداوند به شخصه، دستورها و فرامینی را به آنان داده است.

ولی حقیقت قضیه اینست که این الهام‌ها، صداها و تصورها همه مخلوق‌های ذهنی خود آنهاست و این روند برای کسانی که صاحب بینایی مستقل هستند، به وضوح قابل دیدن است و خود شخص به ندرت قادر است تا این را تمیز دهد، چون هنوز صاحب چنین بینش مستقلی نیست او عمیقاً معتقد است که خداوند مستقیماً با او سخن می‌گوید، در حالی که آنچه او می‌شنود، نجوای ذهن خود اوست که از ضمیر ناخودآگاهش صادر می‌شود. او فریب خورده است.

فریب خویش را و اغلب اتفاق می‌افتد که چنین فردی اعلام می‌کند که از خدا پیامی دریافت کرده است و یا آنکه، خدا در حال هدایت اوست تا کارهای معینی را به انجام رساند. بسیاری از افراد ادعا می‌کنند که خدا به آنها فرمان داده، کسی را به قتل برسانند؛

قومی را از میان بردارند و بسیاری از شرارت‌های دیگر، که همه اینها زائیده ذهن مختل شده آنهاست.

به محض اینکه شخص وارد جهان‌های معنوی تحتانی می‌شود، حتی هنگامی که فاصله بسیار کمی را در درون آنها پشت سر گذاشته باشد، همیشه مورد مواجهه و حمله مجموعه‌ای از اشکال فکری خودش واقع می‌شود. تقریباً همگی اینها در اثر پرورش و تربیت‌های گذشته او و اعتقادات و تصوراتی شکل گرفته‌اند، که در مدت زمان گسترده‌ای به مساعدت پیشنهادهایی از سوی دیگران بنا شده‌اند.

آنها از درون متن خواهش‌های دراز مدت خود بیرون می‌جهد و او را به کوره راه‌های گوناگونی راهبر می‌شوند، که این عملکردهای روانی به اعتقاد اکنکار، منشأ بیشتر این تجربیات گوناگون و بی‌پایان است، که مردم آنها را مذهبی می‌پندارند و به همین دلیل این همه مذاهب متفاوت وجود دارند.

۲. ادیان بر اثر مناسبات اجتماعی، فعالیت قشر روحانیون و تصورات ذهنی پیروان آنان پدید آمده‌اند. در اکنکار آمده است:

هیچ یک از ناجیانی که به این جهان آمده‌اند، مرادشان انتشار و تبلیغ، به خاطر کسب پیرو نبوده است، بلکه همه آنها می‌خواستند، تا معدودی از حقایق ساده را که از سرزمین‌های دور آموخته بودند به بشر هدیه کنند، تا آنان که گوش شنوا دارند، بدان پیام بیدار شوند.

البته استادان باستانی از این روند استفاده زیادی می‌کردند.

آنها به ندرت به کتابت و ثبت مفاهیم می‌پرداختند. به این دلیل که، هیچ یک از پیروانشان فن خواندن و نوشتن را نمی‌دانستند. آنها کلام را دهان به دهان و سینه به سینه نقل می‌کردند و هنگامی که یک فرد را به حلقه‌های الهی پذیرش می‌دادند، آنگاه به پرورش نفر بعدی مبادرت می‌کردند.

آنها هیچ کدام از این ساز و دهل‌ها و تعلیمات جمعی، که امروزه در تشکیلات سازمان یافته مذاهب می‌بینی به کار نمی‌گرفتند. بنا بر این، در می‌یابی که دین، به سادگی یکی از تاسیسات اجتماعی است.

این امر در ادیان غربی بیشتر مشهود است، در حالی که تار و پود مذاهب شرقی را نیز همین عامل تشکیل می‌دهد. پال توییچل می‌گوید:

هر دینی را که امروز در قدرت است، نام ببر. من به تو نشان خواهم داد که فقط و فقط زائیده یک وجدان اجتماعی است، نه حقیقتی که از جانب سوگماد آمده است.

همه آن قوانینی که به عنوان قوانین الهی شناخته شده‌اند، چیزی نیست، جز یک وجدان اجتماعی متحول شده که از قانون مانو، نظام حمورابی، فرامین موسی و احکام کلیسای مسیحیت مشتق شده است. اما محتوای آنها بازگوکننده‌ی چیست؟

هیچ! مگر پیکری از احکام و مقررات که از جانب قشر روحانیت رسمی، برای تحت کنترل نگاه داشتن پیروانشان تنظیم شده، تا بدان وسیله، عنان سیاسی و اقتصادی توده‌های مردم را به دست گیرند.

آیا پدیده‌ای شنیع‌تر از سیستم طبقاتی که توسط مانو پایه‌گذاری شده، وجود دارد؟

یا محدودیت‌های اجتماعی که در مفاد نظام حمورابی مطرح است؟

یا پی آمدهایی که احکام مدون در فرامین موسی یا اخلاقیات کلیسا و تشکیلات مذهبی مسلمان امروزی باعث می‌شوند؟ محدودیت، محدودیت، محدودیت! این، تمام آن چیز است که این شاخص‌های اجتماعی بر آن سعی دارند.

اگر مذاهب را بقدر کافی شناسی برای معلوم خواهد شد، که احکام و مقررات مربوط به هر گروه خاصی در خود دو تاثیر مثبت

و منفی را پیشنهاد می‌کند.

به این معنی که اگر از آنچه تشکیلات مذهبی مقرر داشته تبعیت کنی، قول پاداش می‌گیری، ولی در صورت غفلت از مقررات و احکام، مجازات در پیش خواهی داشت ... همه ادیان به این ترتیب تاسیس می‌شوند. از طریق قدرت تصور پیروانشان. روحانیت این تصور را اختراع می‌کنند و آنقدر در مقابل مردم نگه می‌دارند تا قبولش کنند و نیایش آن را بپذیرند. از این رو، پال توئیچل به ادیان و گروه‌های مذهبی انتقاد کرده و ابراز می‌دارد، که از گروه‌های فلسفی مذهبی و فرهنگ‌هایی که امروز نیز پرچم ایمان به خدا و اشاعه راه پیشوایان و فرستادگان خدا رژه می‌روند، اعتراض دارم.

و چنین ادامه می‌دهد که، ظاهراً دین قرار است دوست بشر باشد.

ولی تقریباً در تمام طول تاریخ، این دو با یکدیگر ستیز مرگ باری داشته‌اند.

امروزه روحانیت تقریباً به یک ناهنجاری پوچ تبدیل شده است.

هنوز در همه جای دنیا با توانی بالا حضور دارد. ولی روزی خواهد آمد که از سطح زمین برچیده شده، محو و نابود شوند. جهالت هم، علیرغم احداث مدارس و اقدام به سوادآموزی جمعی، برای پیر و جوان، پیوسته در حال گسترش است.

افسوس که اینها راه غلط را برای تحصیل برگزیده‌اند، نه راهی برای نشان دادن شیوه‌های خارج شدن از کالبد جسمانی.

پال توئیچل می‌گوید:

اخلاقیات خوب اند، اما در خوبی بشر امتیاز چندان چشم‌گیری نهفته نیست. همه ادیان از اخلاقیات (احکام) انباشته‌اند و یک سری دستورالعمل‌های اخلاقی هستند که در شکل‌های گوناگون، قرن به قرن، به نوع بشر آموخته شده‌اند.

اما به صراحت بگویم که علوم اخلاق شریعت‌های ادیان هرگز نتوانسته‌اند راهی به اقلیم درون بگشایند. البته در مسیر پاک‌سازی ذهن و هموار کردن راه، جهت رسیدن به پشت دروازه‌ی اقلیم درون موثرند و حتی می‌شود به جایی رسید که بتوان به دروازه‌های درون دق الباب کرد، اما باز کردن این دریچه به سوی جهان‌های معنوی کاریست که از احکام و اخلاق ساخته نیست.

اخلاق، چنانکه در مذاهب قدیم نیز آموزش داده می‌شود، فرسوده و بی‌مصرف است.

هر گروهی که صرفاً اخلاقیات را تعلیم بدهد، چیز زیادی برای جستجوگری که به دنبال نور معنوی باشد، ندارد، مگر آنچه در همه ادیان مشترک است.

اخلاق، ابزاری است، جهت شستشوی ذهن، اگر چه ابزار کاملی نیست؛ ولی بهترین نوع آن می‌تواند فرد را برای برداشتن اولین قدم در مسیر خداشناسی آماده کند.

کسی که بخواهد توسط اخلاقیات (شریعت) به یک زندگی مذهبی دست یابد، مسیر را در جهت معکوسش طی کرده است.

اخلاقیات، تنها وسیله‌ای برای دست‌یابی به وضعیت مشخصی برای ذهن هستند و هیچ کاربرد دیگری ندارند. اخلاق، نه دین است و نه بستری که از میان آن دین رشد می‌کند.

اخلاق هرگز نمی‌تواند اساس فلسفه عالم‌گیری، همچون اکنکار باشد؛ زیرا اخلاق هرگز نمی‌تواند آفریننده‌ی خرد، قدرت و آزادی باشد.

اکنکار معتقد است که امکان مذهبی و ادیان رسمی، به دوره‌های قبل از بلوغ افکار و تحولات انسانی تعلق دارند. در دوره‌های طفولیت بشر، هر مذهبی وظیفه‌اش را در روز و موعد مقرر خود به جا می‌آورد، اما در موازات رشد بشر در زمینه فهم معنوی بالاتر، این راه‌ها و روش‌ها باید با چیزی کامل‌تر جایگزین شود. در طول تاریخ بشر، تمام آنچه ادیان تلاش می‌کردند تا ارائه دهند، خلاصه می‌شود در شناخت سوگماد. چند نفر موفق شده‌اند؟ شاید معدودی بیش از تعداد انگشتان!

پال توئیچل می‌گوید:

فقط مسافران معظم «اک» هستند، که این روش‌ها را در اختیار دارند و این مسافران در میان انسان‌ها بسیار معدودند. تلاش‌ها در جهت چنین درک و شناختی همیشه با شکست مواجه شد، مگر در مواردی که از روش‌هایی که در اکنکار مطرح کرده‌ایم، پیروی شده باشد.

اگر پیروان سرسخت برخی ادیان، به این که بسیاری از مردم به روش آنها موفق شده‌اند، اصرار می‌ورزند؛ به این دلیل است که آنها تجربه مختصری را در دیگران بسیار دست بالا تصور کرده‌اند.

پاسخ به نظریات توییچل

اما در این میان، در نظر گرفتن چند نکته حائز اهمیت است:

۱. در اینکه علت پیدایش ادیان، سفرهای ناقص رهبران و انبیاء است و فلسفه اعمال و کردار آنان، توهمات ذهنی است، که بر اثر خواهش‌های دراز مدت و به عبارت دیگر، بر اثر عقده‌های سرکوب شده آنان سرچشمه می‌گیرد؛ ادعای بزرگ و کلی است، که اولاً:

اکنکار برای اثبات چنین اظهار بزرگی محتاج ادله محکمی است، که البته در کتاب‌های اکنکار یافت نمی‌شود و بیان ادعای فاقد علت و مدرک، ارزش علمی ندارد، چرا که هر طالب حقیقتی با تمام اعتمادی که ممکن است به اکنکار داشته باشد، هیچ گاه نمی‌تواند چنین اظهارنظرهای بزرگی را از جانب اکنکار، بدون بیان دلیل و مدرک بپذیرد.

ثانیاً:

جنس این ادعاها مبتنی بر رویکرد فلسفه‌های معاصر و روان‌شناسی جدید است.

حال آنکه چنین بیاناتی بیشتر از جانب کسانی ایراد می‌شود، که از دریچه مادی و اومانیستی به انسان می‌نگرند و به نوعی با رویکردهای معنوی مخالفند. بیان چنین اشکال‌هایی به ادیان، از جانب عرفان اکنکار قابل تامل است، چرا که جدای از ورود به حوزه پاسخ‌گویی، به چه دلیل این اشکال شامل عرفان اکنکار نباشد؟

۲. در اینکه دین تاسیسات اجتماعیست و سازمان‌ها و مراکزی با موضوعیت دین تشکیل می‌شوند و اثرات قابل توجهی بر مناسبات سیاسی می‌گذارند؛ جدای از وجود تفاوت‌های بسیار در مورد هر مصداق دینی، مبتنی بر انتقادهای شدید عرفان اکنکار به روحانیون و رهبران معنوی هر مسلک دینی و عرفانی است.

این دغدغه نه تنها در عرفان اکنکار، بلکه در بسیاری از نحله‌ها و گرایش‌های علمی غرب مشهود است و بیشتر، ریشه در عملکرد طولانی و نابخردانه کلیسا در قرون وسطی دارد. این ادعا در مورد هر مصداق دینی و جغرافیای تاثیرگذارش می‌بایست بسیار گوناگون و متفاوت بیان شود. هر چند عملکردهای غیر اخلاقی برخی از روحانیون، هر مصداق دینی، ناخودآگاه ذهن را به سوی این دغدغه سوق می‌دهد، ولی این بیان در مورد همه ادیان بزرگ و کوچک، کلیت ندارد.

ضمن اینکه به راستی، میان همه پیامبران و تعلیمات شفاهی که در دوران حیات خود داشته‌اند و برداشت‌هایی که قرن‌ها بعد از کلام ایشان شده و منجر به پیدایش عقاید جدیدی، مبتنی بر شرایط جدید اجتماعی است، تفاوت‌هایی وجود دارد، که غیر قابل انکار است.

از این رو، هیچ گاه نباید نظریه یا عملکرد پیروان معاصر یک دین را، کاملاً و به طور کلی منطبق با اصل نظریه یا عملکرد پیامبران و رهبران، یک مصداق دینی دانست و به واسطه داشتن اشتباهات گوناگونی که توسط پیروان یا سازمان‌های متکی به دین ایجاد می‌شود، اصل گزاره‌های دینی و شخصیت پیامبر آن دین را تخریب کرد.

۳. برخی معتقدند:

یک اشکال مهم به ادیان بزرگ اینست که آنان متعلق به قرن‌ها قبل بوده‌اند و اکنون، انسان معاصر، محتاج ادیان جدید است، تا

بتواند نیازهای نوین معنوی خود را در آنان جستجو کند.

اکنکار معتقد به این شبهه است.

اکنکار خود را یک مسلک معنوی جدید می‌داند، که برای انسان امروزی، به واسطه اقتضائات دوران معاصر نسبت به دیگر ادیان جهان مفیدتر است.

اکنکار معتقد است که هدف همه ادیان قدیم ایجاد ارتباط با خداوند بوده و این نکته را ضعف ادیان بزرگ معاصر می‌داند.

اما باید گفت که هدف همه ادیان بزرگ، صرف ارتباط با سوگماد (خدای مطلق) نبوده است؛ چرا که در بسیاری از ادیان به خصوص اسلام، التزام به خواسته‌های اجتماعی انسان در لوای ارتباط با خداوند روشن است.

ضمن اینکه اگر صرف ارتباط با خدا، اشکال اساسی ادیان است.

به چه علت در عرفان اکنکار، ارتباط با سوگماد و جهان‌های برتری که همگی تحت حمایت نمایندگان سوگماد است؛ پراهمیت نشان داده می‌شود؟ و اینکه آخرین طبقه جهان‌های برتر تحت نظارت شخصی سوگماد (خدای مطلق) است و چنین اظهار می‌شود که بالاترین استاد اکنکار در آن طبقه با خدا در ارتباط است.

اما این اشکال که ادیان بزرگ متعلق به قرن‌ها قبل بوده و اکنون برای حل نیازهای معنوی - اجتماعی، انسان معاصر نیازمند ادیان جدید است، متوجه هر دین یا مسلک عرفانی، است که به تغییرات اجتماعی و بحران‌های جدید معنوی انسان توجه ندارد. از این رو، معتقدیم که این اشکال متعلق به همه ادیان بزرگ نیست، چرا که برخی از ادیان، به خصوص دین اسلام، به واسطه تکیه بر اصول اولیه، ملزم به تاسیس احکام و گزاره‌های معنوی جدیدی برای خروج از هر بحران معنوی یا اجتماعی است؛ بحران‌های معنوی اخلاقی ای که در ادوار گوناگون و بر اثر تحولات اجتماعی پدید آمده اند.

با توجه به این اصل کلی، چنین ادیانی، به خصوص اسلام، بر ادیان و عرفان‌های نوظهور برتری دارند؛ چرا که اگر فلسفه وجودی عرفان‌های نوظهور رفع مشکلات جدید انسان معاصر باشد، برخی از ادیان همانند اسلام، قادر به رفع این مشکلاتند. ضمن اینکه این ادیان دارای پشتوانه علمی و عملی، رهبران باتجربه و تجربه حل مشکلات بیشتری نسبت به عرفان‌های نوظهوراند.

لازم به یادآوریست که در بسیاری از جریان‌های نوپدید دینی، ادعای ساختگی بودن تمامی ادیان مطرح می‌شود به عنوان مثال، در تعالیم کریشنا مورتی چنین آمده، که ادیان و مذاهب همگی ساختگی‌اند.

کریشنا مورتی می‌گوید:

ما خواهان پدری با عظمت و قدرتمند هستیم که از ما حمایت کند و به ما بگوید که چه باید بکنیم. حالا برای آنکه تنها نمایم. بی‌یار و پشیمان نمایم. به خدا اعتقاد پیدا می‌کنیم، که به ما در زندگی کمک می‌کند با این همه ذهن ماست که این را آفریده است.

این طور نیست؟

به خاطر اینکه ما می‌ترسیم و دوست داریم هدایت بشویم و به ما بگوید:

چه چیز درست است و چه چیز غلط است.

همچنان که بزرگ می‌شویم و به اصطلاح مذهب را می‌سازیم، که در واقع مذاهب، حقیقی نیستند. مذهب به عقیده من، چیز کاملاً متفاوتیست و برای اینکه به این چیز متفاوت، که مذهب واقعیست دست پیدا کنیم، باید به طور کلی از نظر ذهنی آزاد شویم و دست از مذهبی که ذهن‌ها آن را ساخته و اختراع کرده است برداریم.

تمامی باورها، از مسیح گرایی، هندوئیسم و آیین بودا، پویش اندیشه‌اند، که در راستای زمان، نوشتارها، نمادها و فرآوردهای دست و ذهن تداوم یافته‌اند و همه آنها در جهان مدرن کنونی نیز، دین خوانده می‌شوند. از دیدگاه کریشنا مورتی، اینها برآستی دین نبوده،

بلکه پنداری رمانتیک، احساساتی، تسکین دهنده و خرسند کننده است، که در حقیقت دین راستین نمی‌باشد.

در گفتار کریشنامورتی یک مسأله پراهمیت وجود دارد و آن اینست که او هیچگاه در مورد مذهب حقیقی خود سخن نمی‌گوید، بلکه همواره راه رسیدن به مذهب حقیقی را دست برداشتن از ادیان و مذاهب بزرگ معرفی می‌کند و حال آنکه چه دلیلی وجود دارد، که مذهب حقیقی و یا هر تعلیمی که او از آن پیروی می‌کند و یا حتی اساس تعالیم او، ساخته ذهن و تخیل نباشد؟ بزرگترین ادعای بدون دلیل در این عرفان، واژه «اکنکار» چنین تعریف شده:

راه طبیعی بازگشت نزد خداوند، دانش باستانی سفر روح، علم دقیقی که خالص‌ترین تعالیم را در بر می‌گیرد. اکنکار قائم به ذات است و عقل از سادگی آن مبهوت می‌گردد.

در مقابل، در تعریف مذاهب چنین آمده:

مذاهب، همگی انشعاب‌های اکنکارند. سرچشمه اصلی تمام زندگی، عملکرد سطوح آگاهی پایین که توام با اعتقادات و فلسفه‌هایی است، که مراتب ضروری برای رسیدن به «اک» هستند.

بزرگترین ادعا و یا یکی از بزرگترین اظهارات در این عرفان اینست که اکنکار، سرچشمه تمامی ادیان و مذاهب جهان بوده و اینکه همه رهبران و چهره‌های فاخر علمی، شاگردان مکتب اکنکار بوده‌اند.

در اکنکار آمده است:

مرگ و رستاخیز، اصولی اساسی اند، که تقریباً در تمام مذاهب از آغاز زمان، آموزش داده شده‌اند.

اما اکنکار که جریان اصلی تمام مذاهب، فلسفه‌ها و جهان‌بینی‌هاست.

اولین دانشی بود که به مردم زمین از طریق ناجیان مامور، آموخت که رستگاری در مرگ کالبد فیزیکی و رها شدن روح نهفته است.

پال توییچل می‌گوید:

نویسندگان فلسفی و مذهبیون، وجود اکنکار را در طول تاریخ به اثبات رسانده‌اند.

خط مشهور پیامبران عبرانی، همان گونه که رسالت آنها به خوبی نشان می‌دهد در مکتب اکنکار تربیت شده‌اند.

استادان یونانی، مثل آپولونیوس، ویونیسیوس، فیثاغورث، سقراط، ارسطو و افلاطون، توسط اساتید باستانی، هنر اکنکار را فراگرفتند. عملاً هر انسانی که به تمدن بشری خدمتی کرده باشد، یک چلا یا دانشجوی تعالیم پنهانی اکنکار است.

این امر در زمینه‌های مختلف علوم، ادبیات، هنر، اقتصاد، مذاهب، فلسفه‌ها، ارتش، پزشکی و روان شناسی مصداق دارد ... پیامبران بزرگ و چهره‌های قدرتمندی، مانند رامنا، کریشنا، هرمس، موسی، اوریوس، افلاطون و مسیح، چلهایی بوده‌اند که در مدارس مختلف سری، که همه آنها شاخه‌هایی از نظام باستانی استادان اکنکار بوده‌اند، عموماً به عنوان نظام پیش‌تازان وایراگی شناخته شده‌اند.

پال توییچل معتقد است که خاورمیانه به کمربندی از یک اختلاط نژادی تبدیل شده، که به نوبه خود، جریان عظیمی از تفکر فلسفی، علمی و مذهبی است.

از درون این جریان، کتب مقدسه بسیاری، از جمله تورات یهودی‌ها، قرآن مسلمانان، میترائیسم و بسیاری دیگر از مذاهب سامی سر برآورد. در همان زمان، افکار آریایی زند اوستا، رامایانا، که از نوشته‌های مقدس هندوها است.

وداها و بودایی گری را به وجود آورد. تمامی این مکتوبات مقدسه که اجداد مذاهب و همه فلسفه‌های مدرن بوده‌اند، از سرچشمه‌های بیاناتی شفاهی به نام اکنکار سیراب شده‌اند.

اکنکار نیروی عالم گیر و منشأ معنوی هر چیزی است، که در بر گیرنده زندگی است.

به این دلیل رد اکنکار را دنبال می‌کنیم، که جریان اصلی و نزدیک‌ترین است به تعالیم خالصی که از اقیانوس عشق و رحمت یا به بیانی شاعرانه: خدا، سرچشمه می‌گیرد.

در عرفان اکنکار به صراحت آمده است:

اکنکار، به وجود آورنده و در بر گیرنده تمامی افکار جهان‌های پایین است و مسائلی همچون هنر، نویسندگی، موسیقی و مجسمه سازی تنها گسترشی هستند از آرمان‌های بالاتر اکنکار.

اکنکار به عنوان محوری عمل می‌کند، که پره‌های آن منتهی به چرخ می‌شوند، موسوم به چرخه زندگی. این چرخ نشان می‌دهد که چگونه ادیان اصلی جهان از اکنکار سرچشمه گرفته‌اند.

این چرخ، دوازده پره دارد، که عبارتند از:

آنیسم، هندوئیسم، اسلام، مسیحیت، یهود، شینتوئیسم، بودیسم، تائوئیسم، جانیسم، دین زرتشت، مکاتب اسرار و صوفی گری. هر یک از این پره‌ها معرف یکی از ادیان امروزی جهان است.

آنها همچنین می‌توانند معرف فلسفه‌های گوناگونی باشند، که از دل مذاهب رشد کرده‌اند و نیازی به معرفی آنها نیست. شواهد فراوانی وجود دارد، دال بر اینکه هیچ یک از این مذاهب که قرار بود به ما راحتی و یاری دهند، در ارتباط با فرد موفق نبوده‌اند.

به همین دلیل سوگماد تعالی به دوازده پره تقسیم شده است.

اغلب بنا به تربیت فردی در این جهان، ما باید مسیر به سمت بهشت را به شیوه‌ای و در طریقی که برایمان مناسب‌ترین است، طی کنیم. اما در انتها، تنها سیر «اک» وجود دارد.

پال توییچل معتقد است که مذاهب فعلی حاصل پذیرفتن همین ادیان قدیمی هستند، که نسبت به فرهنگ، سلیقه و خلق و خوی هر گروهی از مردم به صورت‌های گوناگون امروزی درآمده‌اند. ادیان جدید عبارتند از:

هندو، بودائی، کنفوسیوسیزم، تائوئیسم، اسلام، یهود، زردشتی، سیک، الهی شناسی، علوم مسیحیت، شینتوئیسم، روح گرایی، بهایی و مسیحیت. بزرگترین آنها به ترتیب عدد پیروان عبارتند از:

هندو، بودئیسم، مسیحیت که پیروان هر سه آنها از مرز صدها میلیون می‌گذرد.

اما همه مذاهب، فلسفه‌ها و دکترین‌های مقدسه، از اکنکار مشتق شده‌اند و هیچ چیز نمی‌توانست بدون جوهر «اک»، که از قلب سوگماد به بیرون جاریست و سازمان‌های کالبدی می‌سازد، ادامه حیات را برقرار می‌سازد و روح می‌آفریند، وجود داشته باشد.

بقای تمامی شکل‌های هوشمندانه از آگاهی معدنی گرفته تا آنانی که در لباس همکاری با خدا خدمت می‌کنند، در جریان «اک» نهفته است.

هر یک از ادیان اصولی، یک مؤسس داشته‌اند، که در قالب یک کالبد فیزیکی به این جهان آمده و از این جهان رفته‌اند.

شاید لازم به اشاره است، همان گونه که در مسیحیت، عیسی را «نور جهان» خوانده‌اند، در شرق، بودا را «نور آسیا» خطاب کرده‌اند. پیروان هر دینی به پیشوای خود لقبی کمابیش با همین محتوی داده‌اند.

اما ماهانتا، استاد حق در قید حیات، به لقبی «نور کیهان» ملقب است.

پال توییچل می‌گوید:

اکثریت ایدئولوژی‌هایی که در زمینه دینی و فلسفی مطرح شده‌اند، همه شاخ و برگ خودشان را چیده و به راه باریکی رسیده‌اند. من می‌توانم یک مسیحی، مسلمان و یا هر چیز دیگری باشم، اما بعد از آن دیگر خود را محدود کرده‌ام. اگر مردم از من بپرسند چه دینی دارم و بگویم:

«خوب، من یهودی هستم» بلافاصله ذهن آنها مرا در رده‌ی خاصی قرار می‌دهد و من جزو یکی از کسانی خواهم شد، که در یکی

از پرهایی واقع شده که «اک» در مرکز آن است.

بنا بر این، آنچه در اینجا مرا به فکر می‌اندازد و خودم را از بابت آن مقصر می‌دانم، اینست که ما حتی نمی‌توانیم بگوییم «اک»، یک طریق است؛ زیرا آن به قدری در بر گیرنده زندگیست که به خودی خود شامل همه چیز می‌شود، چرا که خود زندگی است. ادعای بزرگ اکنکار مبتنی بر وام‌دار بودن تمام ادیان و مذاهب به مکتب «اک»، موجب برانگیخته شدن چند سؤال و نکته است. به راستی به پشتوانه چه دلیلی می‌توان انواع ادیان، مذاهب و مسالک عرفانی را که در سرتاسر جهان با توجه به گوناگونی فرهنگ و جغرافیا و انواع کتب مقدسه و با توجه به تمام تفاوت‌های ظاهری و محتوایی با ارزش شان، زیرمجموعه و تفسیری بر مسلک عرفانی اکنکار دانست؟

چگونه می‌توان باور کرد که انواع فیلسوفان، بسیاری انبیاء و رهبران معنوی، هنرمندان و نویسندگان و به نقل صریح اکنکار «هر انسانی که خدمتی به جوامع بشری کرده است».

یک چلا و نوآموز اکنکار بوده و در مکتب «اک» به استادی رسیده و در نهایت به تبلیغ آموزه‌های اکنکار پرداخته است؟

در آثار کدام فاخر علمی می‌توان یافت که هدف از افاضات علمی هنری خود را ترویج اکنکار معرفی کرده باشد؟

در اینجا یک سؤال اساسی وجود دارد و آن اینکه، به چه دلیل پال توییچل به بیان چنین ادعای بزرگی پرداخته و برای آن دلیل مناسبی ارائه نکرده است؟

آیا به صرف بیان یک ادعای بزرگ می‌توان بزرگی ادعا را اثبات کرد؟

ضمن اینکه، ارائه پال توییچل از بازشماری ادیان جدید و قدیم پر از اشکال است.

دسیسه اکنکار نسبت به پیروان ادیان

در ابتدا، عرفان اکنکار با چهره‌های آزادمنشانه اظهار می‌دارد، که تمامی مقلدان مذاهب می‌توانند با اختیار کامل، هر مسیر عرفانی، اعم از اکنکار یا غیر آن را برگزینند و به زندگی معنوی خود ادامه دهند. سپس چنین وانمود می‌شود که هر چلا در زندگی‌اش بر سر دو راهی واقع خواهد شد، که این وضعیت را در «اک» به عنوان مرحله بیهانویی می‌شناسند. واژه بیهانویی؛ یعنی بحران بزرگ در شکوفایی آگاهی در حین رشد معنوی. این هنگامیست که چلا یا می‌باید از گذشته سنتی خود جدا شود و «اک» را به عنوان تنها نیروی طبیعت الهی بپذیرد و یا اینکه در طریق رشد معنوی را کد بماند، تا روزی که بتواند تصمیم اش را بگیرد. پال توییچل می‌گوید:

«اک» موجب شکستن پیوندهای سنتی مذاهب گذشته نمی‌شود، بلکه باعث می‌شود که چلا نگاه دقیقی به آن بیندازد و خودش تصمیم بگیرد.

«اک» می‌داند که بشر باید خودش راهی را که می‌خواهد طی کند و خودش هم در آن راه قدم بردارد.

اما در ادامه چنین ابراز می‌دارند که ما باید این را بفهمیم که مذاهب، فلسفه‌ها و عقاید این دنیا به ندرت فراتر از مکتب مرگ اوج می‌گیرند. آنها می‌گویند:

رستگاری هرگز اینجا، در روی زمین رخ نخواهد داد، بلکه همیشه در نوعی اقلیم بهشتی و پس از مرگ اتفاق خواهد افتاد. عقاید این چینی، فلسفه‌ی مرگ را در میان مسیحیان نخستین، تا درجه‌ای ترویج داد که افراد را به جستجوی مرگ، به هر نحو ممکن وادار کرد، به امید اینکه پا به حیطه رستگاری موعودشان بگذارند. مسلمین هم، به این ترتیب آموختند که اعتقاد به فردوسی داشته باشند که در آنجا، هر آنچه را که در زندگی زمینی‌شان از آن محروم بوده‌اند در مقابلشان قرار خواهند داد. البته پس از مرگ جسمانی.

هم رهایی از این جهان و هم زندگی کردن در اقلیم خدایی در همین زندگی امکان پذیر است.

همه اینها فقط به خود ما بستگی دارد!

پال توئیچل می گوید:

«اک» از پیروان خود حفاظت کرده و ردای حمایت خود را به دور آنان می پیچد. روزی که ما به هر درجه‌ای از توسعه معنوی در «اک» دست پیدا کنیم، آن بر زندگی ما تسلط یافته، ما را از میان تمامی موانع جهان‌های تحتانی عبور داده با زبردستی کامل، همه نیروهای منفی را که علیه ما کار می کنند شکست خواهد داد.

پال توئیچل در ادامه، از موضع اولیه خود که بی طرفی و احترام به گزینش شخصی چلا بود، عدول می کند و به طور غیرمستقیم همه را به انتخاب اکنکار و به کنارراندن تمام مذاهب و ادیان جهانی دعوت می کند.

البته با در نظر گرفتن این نکته، که هر کس در گزینش اکنکار دچار اشتباه شود، عواقب خطرناکی را برای خود خریده است.

پال توئیچل می گوید:

عده‌ی بی شماری سعی می کنند مذاهب اصولی را جایگزین نیاز خود به اکنکار کنند.

خیلی‌ها به فرقه‌ها و مکاتب اسراری پناه می برند و تصور می کنند که راه‌شان را یافته‌اند، اما همه آن کسانی که طریق «اک» را ترک می گویند و از قبول استاد حق در قید حیات، امتناع می ورزند، افسوس خواهند خورد. چون کسی که گوش به نا خدا ندهد، بی تردید کشتی خود را به صخره‌ها خواهد کوفت.

در ادامه می گوید:

اگر هنوز در خصوص واژه‌ی دین یا مذهب بسیار می اندیشی، پس می توانی بگویی که این جریان صوتی، تنها دین حقیقی و واقعی است.

«اک» این است؛ فلسفه جریان صوتی حیات. در واقع تنها عنصر جهان است که همه‌ی زندگان عالم را به سوگماد پیوند می دهد. بدون این جویبار حیات، هیچ چیز نمی تواند حتی برای لحظه‌ای هستی داشته باشد.

چه برسد به زیستن. تمامی زندگی و قدرت از آن صادر می شود. از مورچه خرنده تا برق صاعقه، از امواج جزر و مد تا دوره‌های خورشیدی، هر گونه تجلّی حرکتی، انرژی خود را از این جریان صوتی دریافت می کند.

تو می توانی در مقابل همه خدایانی که نام آنها در کتاب‌ها هست، به دعا و نماز بنشین، ولی آنها صدای تو را نخواهند شنید. می توانی از همه مذاهب موجود طلب یاری کنی، اما هیچ چیز نصیبت نخواهد شد.

این همچنان یک واقعیت قاطع برجا می ماند، که هیچ فردی تا به حال نتوانسته و در آینده نیز نخواهد توانست از مصائب این زندگی‌ها و تردید در خصوص زندگی‌های بعدی بگریزد، مگر این که سعادت را بیابد که با استاد حق دیدار کند.

این خلاصه‌ی تمامی آن چیز است که هست.

همین و بس. بدون مساعدت او هیچ کس نمی تواند از چرخ مرگ و تولد خلاصی یابد. (۲۰)

با توجه به توضیحات فوق به طور طبیعی فلسفه پیدایش اکنکار روشن می شود.

پال توئیچل می گوید:

اکنون که می بینم تاریکی معنوی بر فراز عالم بشریت خیمه زده و همه مردم جهان از آن ملول شده‌اند خود گواه بر آن است که ادیان اصولی کار چندانی برای انسان انجام نداده‌اند.

مشکل بزرگ بشر اینست که برای رستگاری معنوی به استادان اکنکار متوسل نشده‌اند.

مذاهب از مجرای احساسات و تفکر متافیزیکی تغذیه و حمایت شده‌اند و هر مذهبی در عین حال که به نقش و وظیفه خود برای زمانی که در آن مطرح می شود، عمل می کند، باید دفعه‌تاً عرصه را برای چیزی کامل تر از خودش خالی کند طریقی که در تناسب با

وضعیت آگاهی پیشرفته کنونی او باشد.

به این ترتیب نیاز بشر به ظهور مکرر استادان حق در قید حیات اکنکار، مشهود می‌شود. این علت ظهور پی در پی سوگماد در این جهان است، که در هیأت استادان «اک» تجلی می‌کند

نتیجه گیری

یکی از مهمترین رویکردهای جنبش‌های نوپدید دینی استفاده از اومانیزم در تعالیم معنوی است.

در عرفان اکنکار علت پیدایش ادیان، نهفته در تلاش‌های معنوی انسان‌ها تلقی می‌شود. یعنی اگر آدمی بتواند مراحل و تمرینات معنوی خاصی را طی کند، می‌تواند همسان دیگر انبیا و پیامبران ادیان بزرگ صاحب مذهب و نحله عرفانی منحصر به فردی باشد و آن را برای رساندن دیگر مردمان عالم به سعادت و نیک بختی، به تبلیغ گذارد. وجود این دیدگاه به این معناست، که پدیده دین به مثابه امری از ناحیه خدا و به واسطه افراد برگزیده خدا تلقی و معرفی نمی‌شود، بلکه هر انسانی می‌تواند خود، دین و مذهب جدیدی بیافریند و خود، پیامبری آن را بر عهده گیرد.

این ادعا در حقیقت بیان روح جنبش‌های نوپدید دینی است.

در این گرایش‌ها معنوی، ادعاها و نظریات بسیار بیان می‌شود. چنانچه نمونه‌هایی از این اظهارات در تعالیم اکنکار بیان شد، اما یک نکته وجود دارد و آن اینکه بعد از بیان نظرات این مکاتب، دلیل و مدرک مستدلی ارائه نمی‌شود و این خود نشان از وجود نیت‌ها و قصدهای غیر علمی و غیر واقعی در پس این ادعاهاست.

ضمن اینکه نوع جبهه گیری اکنکار برای اثبات حقانیت این مکتب نسبت به دیگر ادیان، بسیار مغرضانه و ساده انگارانه است.

اکنکار در ایران

بی‌شک جهان شرق از مشکلاتی که جهان غرب در زمینه کمبود عرفان و معنویت با آن مواجه بوده مبرا است و خلاء جدی در این خصوص در کشورهای شرقی مخصوصا کشورهای اسلامی احساس نمی‌شود ولی با این وجود تهاجم فرهنگی از این ظرفیت نیز کمال استفاده را می‌برد و با ترویج عرفان‌های جدید و انسان محور سعی در بیراهه کشیدن انسان شرقی دارند. در حال حاضر در ایران بعد از عرفان اشو، مکتب اکنکار بیشترین طرفدار را به خود جلب کرده و از طریق امکاناتی که تکنولوژی ارتباطات در اختیار مبلغین این مکاتب قرار داده سعی در عضو گیری و ترویج مکتب خود دارند. قابل توجه است که ویتترین بسیاری از کتاب‌های مملو از کتاب‌هایست که به صورت مستقیم در ترویج این دین جدید نوشته شده است به گونه‌ای که فقط از بنیانگذار اکنکار آقای پال توییچل، بیش از هفده عنوان کتاب ترجمه و چاپ شده است که از جمله آنها کتاب‌های ذیل است:

اکنکار کلید جهان‌های اسرار دفترچه معنوی ندای الهی بیگانه‌ای بر لب رودخانه دندان بر سرزمینهای دور پنجه زمان نامه‌های طریق نور نامه‌هایی به گیل طریق دارما طنین پرخروش اک اک ایناری، علم الاسرار رؤیاها اک ویدیا گیاهان، شفا دهندگان سحر آمیز سه نقاب گابا واژه نامه اکنکار شرق خطر برخی از کتابهایی که به قلم هارولد کلمپ به رشته تحریر در آمده است به قرار زیر است:

۱ هنر رؤیا بینی

۲ استاد رؤیا

۳ کلام زنده

۴ نسیم تحول

۵ کودک در سرزمین وحش

۶ روح نورداران سرزمینهای دور

۷ تمرینات معنوی اک

۸ از استاد پرسید

۹ شاهین‌ها باز می‌گردند.

علاوه بر کتاب‌ها که متأسفانه از مجاری رسمی و دولتی وارد بازار شده، سایت‌ها و وبلاگ‌های مختلفی نیز وجود دارند که در فضای اینترنت مشغول شستشوی ذهنی جوانان هستند

در ایران چند سالیست که پس از مطرح شدن کتب توییچل و نیز با توجه به درآمد بالای مدیران این فرقه ضاله بسیاری تحریک به سوء استفاده از جوانان از طریق این فرقه کرده و موسساتی را برای ترویج این فرقه راه اندازی کردند. رهبران اکنکار که عموماً در آمریکا، اروپا، هند و چین مستقر هستند برای یارگیری از جامعه ایران به «جعل شناسنامه اعتقادی» برای چند تن از بزرگان ادب و اندیشه این سرزمین اقدام کرده‌اند.

به عنوان نمونه ادعا می‌کنند که حافظ شیرازی، مولانا، شمس تبریزی، خیام و فردوسی از پیروان سرسخت اکنکار هستند! آنها در ادعایی طنزآلود می‌گویند که فردی به نام «فوبی کوانتر» - یکی از رهبران اکنکار - استاد و معلم فردوسی در قرن دهم بوده است! در حالی که هیچ سند تاریخی معتبری در این باره وجود نداشته و حکیم فردوسی هم هیچگاه در دوران حیاتش چنین شخصی را ندیده است.

از دیگر جعلیات این نحله برای گسترش «اک» در ایران، این ادعاست که مولانا پیر و نگهبان شریعت کی سوگماد در معبد ساکاپوری در منطقه علی است.

آنها همچنین مدعی هستند که خیام، مسؤول شفادهی در جهان اثری است!

اساسی‌ترین کاری که این موسسات در جذب جوانان به این فرقه انجام می‌دهند، برپایی پارتی‌هایی در سراسر ایران است که در این جلسات انواع مواد مخدر و داروهای روانگردان از جمله حشیش برای رفتن به حالت عرفانی و رسیدن به مدارج معنوی سَرو می‌شود.

از آموزه‌های این فرقه می‌توان به برقراری رابطه عشقی بین زن و مرد اشاره کرد که به ازدواج عرفانی دختر و پسر نامحرم ختم می‌شود. این یکی از مهمترین تمرین‌هایی که پیوسته در جلسات پارتی این فرقه صورت می‌گیرد و موجب شده تا جذابیت این گروه بین قشر جوان روزافزون شود.

علی‌رغم اینکه شناساندن چهره واقعی این فرقه، پرده برداری از نیت شوم آنها در سردرگمی جوانان و تقبیح تماس با این گروه می‌تواند نقش اساسی در ارتقاء سطح اطلاعات افراد جامعه نسبت به این موضوع داشته باشد متأسفانه شاهد این مطلب هستیم که پایگاه‌های اطلاع‌رسانی این فرقه مشمول قانون فیلترینگ نبوده و به دلیل تبلیغات گسترده به راحتی در سایت‌های اینترنتی قابل دسترس و عضوگیری است.

گفتنی است؛ مترجم کتاب‌های فرقه اکنکار در ایران چندی پیش فوت کرد ولی شاگرد او فرقه TSM را در کشور راه اندازی کرده است.

اکنکار دینی است که خود را به عنوان دین معرفی نمی‌کند و با توسل به پلورالیسم دینی و تکثرگرایی اعتقادی از میان معتقدین به سایر ادیان هم به طور همزمان عضوگیری می‌کند.

اکیست‌ها از مشابَهت‌هایی که دین اسلام و عرفان اسلامی با برخی مبانی اکنکار دارد، برای جذب انسان مسلمان کمال استفاده را می‌برند. بنا بر این در روزگاری که جنون معنویت گرایی و دین سازی سایه‌ای بر حقایق ناب افکنده و زمینه‌های گمراهی را فراهم نموده است، وظیفه تمامی عالمان دینی و پاسداران مکتب بزرگ اسلامیت که هوشیارانه به رصد تحرکات انحرافی پرداخته و با بازسازی و ارائه معارف اسلامی با زبانی جذاب و گویا وظیفه خود را در قبال دین و امت بزرگ اسلامی به انجام برسانند.

منابع:

۱. خبرگزاری فارس
۲. سایت اطلاع رسانی جوان
۳. سایت خبری تحلیلی خدمت
۴. khabaronline.ir
۵. وب سایت خبری آینده روشن
۶. باشگاه اندیشه bashgah.net
۷. هفته نامه - پگاه حوزه - ۱۳۸۸ - شماره ۲۷۲
۸. سراب، ضمیمه جام جم
۹. کتاب آشنایی با ادیان بزرگ نوشته حسین توفیقی
۱۰. الیاده، میرچا، اسطوره، رویا، راز، ترجمه رویا منجم
۱۱. الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری
۱۲. الیاده، میرچا (ویراستار)، فرهنگ و دین
۱۳. حکمت، علی اصغر، تاریخ ادیان
۱۴. زرین کوب، عبدالحسین، در قلمرو وجدان، تهران
۱۵. کریشنان، رادا، ادیان شرق و فکر غرب، ترجمه رضازاده شفق
۱۶. کریشنان، رادها، مذهب در شرق و غرب، ترجمه فریدون گرگانی
۱۷. گنر، جوزف، حکمت ادیان، ترجمه و تألیف محمد حجازی
۱۸. گنر، جوزف، سرگذشت دینهای بزرگ، ترجمه ایرج پزشک نیا
۱۹. مصطفوی، علی اصغر، اسطوره قربانی
۲۰. ناس، جان بی.، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت

برخی سایت‌های مربوط به اکنکار

۱. سایت رسمی اکنکار، دین نور و صوت خدا:
eckankar.org
۲. گفتگو در عصر انتقاد:
Littleknownpubs.com/Dialogintro.htm
- سایت‌های دانشگاهی:
۳. مرکز مدارای دینی
religioutolerance.org/eck.htm
(Center for Religious Tolerance)

۴. ارتباط تبارشناختی

crl.com/ozark / eck

(Genealogical Connection)

سایت‌های ضد اکنکار:

۱. صفحه اکنکار غیر مجاز

inguild.co / homes / eckcult

۲. موج نوار عصبی

vclass.mtsac.com/areoasis / oasis / titlepaye

(Neural Surfer)

۳. حامیان مسیحی و روحانیت تحقیقی

Carm.org/cults / eckankar.htm

بخش نقدها

نقد اکنکار

اشاره

برای نقد اکنکار بهترین راه بیان نقل قول‌های آنها در کتب شان است که مواردی اشاره می‌کنیم تا هر مخاطب صاحب عقلی خود به بی‌ارزشی اکنکار پی ببرد

۱) خدا همان عشق است

تنها چیزی که به آن یقین دارم اینست که خدا عشق است و عشق خدا؛ لیکن همه‌ی شیرینی و زیبایی که در تعالیم مکاتب اسرار، فلسفه‌ها و ادیان وجود دارد، هیچکدام درست و بجا نیست. چون از طرف دیگر خدا مخوف، زننده، ترسناک، انزجار آور و پر مدعاست، پر زرق و برق است، کریه، خشن و نازیباست و یا هر صفت دیگری که کسی بخواهد در توصیف آن جزء از او که قدرت نام دارد بکار بگیرد. (دندان ببر، ترجمه هوشنگ اهر پور، ص ۱۳۶)

۲) ادیان فقط برای کسب تجربه‌اند

خدا می‌گوید هر دینی که بشر دارد باید راهی باشد جهت کسب تجربه و نه بیشتر از آن. (همان ص ۱۳۲)

۳) تنها راه رهایی اکنکار است

«برای رسیدن به رهایی معنوی و آزادگی روحانی طریق دیگری جز اکنکار وجود ندارد. تا کسی آگاهانه و عملاً در برکات این جریان صوتی حیات سهم نشود او را راه گریزی از کار ما و تناسخ نیست.» (همان ص ۱۱۴)

(۴) بشر همه چیز را آفریده

«بشر در طی اعصار نوعی خدای دائمی بوده است.
همه چیزی را آفریده - زمین، آسمان، نورها و تمامی خلقت را. این کل اسرار است.»
(همان ص ۹۳)

(۵) خدا مدفون شد

«مفهومی که انسان، به عنوان انسان در طی اعصار و در اطراف محیط وجود متعال بنا کرده بود حالا مدفون شده و سنگ قبری روی آن برافراشته با این نوشته: «اینجا جسد خدا خوابیده است!»
(همان ص ۸۸)

(۶) در طلب حقیقت نیازی به کتاب و موعظه نیست

در طلب حقیقت تنها به خود نگاه کن و به کلمات، کتابها، فیلسوفها و واعظین تکیه مکن. (همان ص ۷۶)
از هر طریقی که بخواهی به سر منزل مقصود بررسی باید که خود بدان اقدام کنی. هیچکس نمی‌تواند به ما بگوید چگونه، چه وقت و کجا آن را می‌یابیم.
(همان ص ۷۹)

(۷) جهان محصول خودتوست، پس هر طور که می‌خواهی آن را بساز

«تمام راز در اینست که اگر چنین پنداری که جهانها توسط یک خدای تعالی خلق شده‌اند، آنگاه احساس می‌کنی که تو قدرت تغییر دادن هیچ چیز را نداری و تنها معلوم ترحم آن خالق می‌باشی. تو باید بدانی که جهانها محصول خودتوست. تو می‌توانی آن جهان را تغییر بدهی، دوباره بسازی، بهتر کنی تا مطابق آرزویت باشد.»
(همان ص ۷۳)
انسان ابتدا خدایی بود که پا برزمین نهاد، اما اکنون همچون عروسک خیمه شب بازی اسیر دست دیگران شده و به نفع دیگران کار می‌کند
(نامه‌هایی به گیل ترجمه مینو ارژنگ ص ۶۹)

(۸) برای یافتن خدا نیاز به توصل نیست

«اگر آرزوی شناختن خدا را در دل داری بدان که به مطالعه هیچ چیز نیازی نداری. فقط می‌باید بیاموزی که چگونه از جستجو و توسل به هر چیزی احتراز کنی.»
(همان ص ۶۸)

(۹) انسان تحت اختیار اک است

«انسان آزاد نیست. هیچ بشری که تحت فرمان من باشد آزاد نیست، چون من همه جا هستم و همه کار را در همه وقتها من انجام می‌دهم. شما تحت اختیار من هستید و من شما را تا ابدیت در چنگال خود نگاه می‌دارم.»
(همان ص ۳۹)

۱۰) عدم جستجوی خدا

بنا بر این اولین اصل راه نورانی اینست که پوشگر باید دست از جستجوی خدا بردارد
(کنکار کلید جهان‌های اسرار، اهرپور، ص ۸۲)

۱۱) گناه توهمی بیش نیست

بنا بر این آنچه گناه نامیده می‌شود چیزی جز توهم نیست.
(نامه‌هایی به گیل ترجمه مینو ارژنگ ص ۲۷)
اما می‌دانیم که مذهب و طریقت تجربه و درکی شخصیت و نه چیزی که بتوان در جمع بیان کرد و همینطور در ظواهر و مراسم نیز نمی‌گنجد همچنین نمی‌توان آن را در قالب آیینهایی مثل کنسرو بسته بندی کرد و چیزی نیست که کسی بتواند آن را به دیگری منتقل کند و یا در کتابها و نوشته شود
(همان ص ۸۹)

۱۲) دین زائیده وجدان بشر است

«هر دینی را که امروز در قدرت است نام ببر و من به تو نشان خواهم داد که فقط و فقط زائیده یک وجدان اجتماعی است، نه حقیقتی که از جانب سوگماد باشد.

همه آن قوانینی که به عنوان قوانین الهی شناخته شده‌اند، چیزی نیستند جز یک وجدان اجتماعی متحول شده که مشتق شده است از قانون مانو؛ The Law of Manu، نظام حمورابی، فرامین موسی و احکام کلیسای مسیحیت. «و اما محتوای آنها بازگو کننده چیست؟

هیچ! مگر پیکری از احکام و مقررات که از جانب قشر روحانیت رسمی برای تحت کنترل نگاه داشتن پیروانشان تنظیم شده است تا بدان وسیله عنان سیاسی و اقتصادی توده‌های مردم را بدست گیرند. هنگامی که فوبی کو آنتز FubbiQuantz؛ در زمان بعثت خود توسط مردمان مؤاخذه می‌شد، این را می‌دانست. «آیا پدیده‌ای شنیع‌تر از سیستم طبقاتی که توسط مانو پایه گذاری شد وجود دارد؟

یا محدودیت‌های اجتماعی که در مفاد نظام حمورابی مطرح می‌باشند؟ یا پی آمدهایی که احکام مدون در فرامین موسی، یا اخلاقیات کلیساها و تشکیلات مذهبی مسلمین امروزی باعث می‌شوند؟ محدودیت، محدودیت، محدودیت! این تمام آن چیز است که این شاخص‌های اجتماعی بر آن سعی دارند.

(سرزمینهای دور ص ۴۴)

«اگر این را درک کنی، خواهی دانست که به سختی می‌توان ادعا کرد که دین و مذهب پدیده‌ای ساخت بشر نباشد و کشیش‌ها و

مقامات روحانی یقیناً از طرف کسی جز خودشان مأموریت نیافته‌اند.

تاریخ و سنت‌های دودمان‌ها، کلیساها، مذاهب و حکومت‌ها را در طی قرن‌ها مطالعه کن تا این امر بر تو ثابت شود. بودیسم که از قدیمی‌ترین ادیان دنیای جدید است، خود دورتر از همه است به حقیقت، اگر چه تاریخ باشکوهی پر از سنت‌ها پشت سر دارد. (سرزمینهای دور ص ۴۹)

«به این ترتیب است که همه ادیان تأسیس می‌شوند؛ از طریق قدرت تصور پیروانشان. روحانیت این تصور را اختراع می‌کند و آنقدر در مقابل مردم نگاه می‌دارد تا قبولش کنند و نیایش آن را بپذیرند. (سرزمینهای دور ص ۶۰)

«آداب اجتماعی، تشریفات، مراسم، مذاهب و سیاست‌ها، همگی بر اساس عادت‌های ذهنی بنا شده‌اند و معمولاً از یک نسل به نسل بعدی تحویل داده می‌شوند (سرزمینهای دور ص ۱۲۵)

«تو می‌توانی در مقابل همه خدایانی که نام آنها در کتاب‌ها هست، به دعا و نماز بنشینی، ولیکن آنها صدای تو را نخواهند شنید؛ می‌توانی از همه مذاهب موجود طلب یاری کنی، اما هیچ نصیبت نخواهد شد. این همچنان یک واقعیت قاطع برجا می‌ماند که هیچ فردی تابحال نتوانسته است و در آینده نیز نخواهد توانست از مصائب این زندگی‌ها و تردید در خصوص زندگی‌های بعدی بگریزد، مگر این سعادت را بیابد که با استاد حق دیدار کند. این خلاصه تمامی آن چیز است که هست؛ همین و بس؛ بدون مساعدت او، هیچکس نمی‌تواند از چرخ مرگ و تولد خلاصی یابد (سرزمینهای دور ص ۲۱۰)

۱۳) دین تنها به درد دوران طفولیت می‌خورد

... «کلیساها و مساجد و تشریفات و آدابشان هنگامی عملکرد دارند که بشر دوران طفولیت مذهبی و اعتقادی خود را طی می‌کند؛ اما هنگامی که طفلی به مراحل رشد می‌رسد، باید این پوسته را بشکافد و از آن خلاص شود؛ یا پوسته مسجد و کلیسا را و یا غلاف کودکانه خویش را (سرزمینهای دور ص ۱۶۴)

بخش آموزه‌های اکنکار

۱. عقاید اصلی مطابق اعتقادات اکیست‌ها یا چلاها

اکنکار، طریقیست برای همکارشدن با خدا یا سوگماند که نه مذکر است نه مؤنث عقیده بر اینست که سوگماند با روح یا توازی افراد از طریق صوت یا نور ارتباط برقرار می‌کند. از این رو، نام دیگر اکنکار «دین صوت و نور» است ارتباط را اک یا جریان اک می‌شناسند. اک طی قرون نام‌های گوناگونی گرفت روح مقدس شبح مقدس لوگوس کلمه روح القدس بانی و وادان شماری از این اسامی هستند.

اکیست‌ها اک را جریان قابل سماع حیات نیز تعبیر می‌کنند.

هدف اصلی چلا (طلبه اک رسیدن به خودشناسی و در نهایت شناخت خداست وقتی شناخت خدا حاصل شد، آن گاه چلا همکار

حقیقی خدا خواهد شد.

در عین حال دارای هویت فردی نیز خواهد بود.

این عقیده با آنچه در آیین هندو و بودایی وجود دارد که فرد از راه فانی شدن کامل در خدا و از دست دادن تمامی هویت فردی با خدا یکی می‌شود، تفاوت دارد.

۲. سفر روح

خودشناسی و خداشناسی هر دو از راه طی الارض همزمان در دو مکان بودن یا آنچه امروزه از سوی اکیست‌ها «سفر روح نامیده می‌شود، قابل دست یابیست پال توئیچل در کتابش با عنوان اکنکار: کلید جهان‌های سری سفر روح را به جدا شدن روح از بدن توصیف می‌کند.

سفر روح با بیرون شدگی اختروار که صرفاً تشریح روحانی سیاره اختریست تفاوت دارد. سفر روح عبارت از تشریح هر یک از جهان‌های خداست و تنها دوازده سیاره شناخته شده وجود دارد.

۳. دین زنده

اکنکار را یک دین زنده که به طور دایم در حال تغییر و تحول است می‌دانند. این تغییرات مدام موجب می‌شود که اکیست‌ها اتکای شدیدی بر رهبران دینی خویش داشته باشند.

این رهبر، استاد اک یا ماهانتای زنده نام دارد. همیشه یک استاد اک زنده هست و در زمره کسانی است که به اساتید اک معروف اند، که مجموعه آنها را سلسله وایراگی می‌گویند.

اعضای این سلسله در معبد‌های حکمت طلایی که در سیاره‌های گوناگون واقع شده‌اند، ساکنند.

هدف ماهانتا، راهنمایی ارواح چلاها برای بازگشت به خداست ماهانتا اغلب به عنوان استاد رؤیا که مانند نقطه آبی رنگ نور ظاهر می‌شود، عمل می‌کند.

ماهانتا در این نقش هم حضور مطلق و هم علم مطلق است استاد زنده اک از احترام بسیار بالایی برخوردار است اما پرستش نمی‌شود.

۴. کرمه

اکیست‌ها نیز مانند بوداییان و هندوها، به کرمه یا عقیده بدهی روحانی به گذشته باور دارند. هدف هر فرد، رهایی از بدهی کرمه در زندگانی گذشته و یکی شدن با خداست

وقتی با رفتار درست به خودشناسی نایل آمدید، از زندگانی گذشته رهایی یافته و باید بقیه حیات را بدون بدهی اضافی سپری کنید. اگر به این مرتبه رسیده باشی بعد از مرگ به این جهان برنمی‌گردد

۵. عمل

بیش از یکصد تمرین روحانی گوناگون در اکنکار هست که از جمله آن خواندن HV است و عقیده بر اینست که این واژه نام قدیمی خداست

تمرین دیگر، عبارت است از تمرکز روی نور و صوت یا چیزی که به شکل روحانی ماهانتا معروف است

هارولد کلمپ فهرستی از تمرین‌های روحانی را درباره رؤیاها در کتابش با عنوان هنر رؤیابینی روحانی آورده است رؤیاها در تمرین‌های اکنکار تحت رهبری هارولد کلمپ بسیار بااهمیت شدند. از چلای کوشا انتظار می‌رود که از راه مکاشفه نیز که دارای چهار مرحله است طی طریق کند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشرف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بیدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائده‌مند



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹